

امام خمینی (ره):

شما برای فدا و برای رضای او و برای قوت دادن به اسلام و پیاده کردن امکام اسلام به دفاع برافاستید. شما مدافع از انسان‌های مظلوم در طول تاریخ هستید.

- «هفته دفاع مقدس»، «روز پیوند اولیاء و مربیان»
- «روز جهانی استکبارد»، «روز جهانی کودک»، «روز بزرگداشت مافظ»
- «روز اردواج»، «روز همبستگی با کودکان و نوجوانان فلسطینی»
- «روز جهانی جهانگردی»، «روز جهانی سالمندان»
- «روز بزرگداشت مولوی» گرامی باد.
- کلام بزرگان
- نامه دبیرکل
- اخبار ویژه
- مطبوعات و پایگاه‌های خبری

۱۴۵

مهر ۹۲

مقام معظم رهبری:
چالش اصلی، مقابله نظام با سلطه با پیام شوق آفرین
انقلاب اسلامی یعنی خودداری از ظلم و مظلوم واقع
نشدن است.

صندوق پستی: ۶۵۶۱-۱۵۸۷۵
تلفن تماس: ۸۸۸۲۵۶۹۶
۸۸۸۴۵۳۳۵

۱.....	آغاز سخن
۵.....	کلام بزرگان
۱۱.....	مناسبت‌های ماه
۱۲.....	نامه دبیرکل
۱۶.....	کلانشهر تهران
۲۰.....	فقر جهانی
۲۵.....	دفاع مقدس
۳۵.....	تفاوت میان ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر
۴۰.....	اخبار ویژه
۴۳.....	مطبوعات
۴۶.....	پایگاه‌های خبری

جهت کمک مالی به حزب تمدن اسلامی شماره حساب ۱۲۴۳۴۴۲۶۳
بانک تجارت شعبه خردمند شمالی (کد ۰۲۰) اعلام می‌گردد.

و در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران نیز، امت اسلامی را نیکوترین امت و سرمشق دیگران معرفی می‌فرماید: کنتم خیر امه اخرجت للناس ...

در این چهار آیه قرآنی امت اسلام را جامعه‌ای میانه و معتدل می‌داند که این اعتدال در بینش و گرایش او نمودار می‌گردد. و به عبارتی امت قرآنی جامعه‌ای است برتر در عقیده، اخلاق و رفتار که در هیچ یک از ارکان زندگی فردی و اجتماعی اهل زیاده‌روی (افراط) و کوتاهی (تفریط) نبوده، اسراف و خست در مشی او راه ندارد.

آیه ۸۳ سوره یونس و آیه ۳۱ سوره دخان افراط و اسراف را برتری جویی و طغیان‌گری دانسته و این زیاده‌روی و خروج از مشی «اعتدال» را عامل تباهی و فساد بیان فرموده است.

آیه ۳۲ سوره مائده و آیه ۲۸ سوره کهف راه و روش افراط‌کاران و مسرفین را گناه و غفلت دلها از یاد خدا و پیامبر خدا (ص) و مومنین را به عدم پیروی از آنان اگرچه اکثریت جمعیت باشند و به صبر و مقاومت در برابر آنان امر فرموده است.

و آیه ۱۴۷ سوره آل عمران بازگشت و طلب مغفرت از اسراف و زیاده‌روی در امور که موجب ثبات قدم و استواری گامها می‌باشد که نصرت و پیروزی در برابر کافران و دشمنان را نیز در پی خواهد داشت بیان می‌دارد.

و اهل بیت علیهم السلام در مذمت از زیاده‌روی و کوتاهی‌های فکری، اخلاقی و رفتاری پرهیز داده و میانه‌روی و راه وسط و اعتدال را مورد توصیه و تاکید قرار داده‌اند.

برای رعایت اختصار در این قسمت به مواردی از نهج البلاغه اشاره می‌شود:

- در خطبه ۹۴ در وصف پیامبر خدا (ص) و اهل بیت او (ع) می‌فرماید... سیرته القصد و سننه الرشد

... راه و رسم او با اعتدال و روش زندگی او پایدار و سخنانش روشنگر حق و باطل و حکم او عادلانه است.

- در خطبه ۱۰۳ هم بدترین افراد نزد خدا را منحرفین از راه راست و مشی تعادل که به حال خود واگذاشته و بدون راهنما و دلیل راهند معرفی فرموده است.

- در خطبه ۱۹۵ می‌فرماید: پیامبر الهی (ص) از سوی خدای متعال مأمور به ارائه نشانه‌های هدایت و آشکار نمودن حق و مردم را نصیحت نموده به رستگاری و میانه‌روی فرمان دهد.

بسمه تعالی

آغاز سخن

از شماره پیشین «نامه» مطالبی در رابطه با «اعتدال» اگرچه به اجمال مورد توجه قرار گرفت، این مبحث در سه بخش با عناوین:

۱- تعریف اعتدال در فرهنگ و لغت‌نامه‌ها و ادبیات فارسی (که در شماره ۱۴۴ شهریور ۹۲ تبیین شد)

۲- «اعتدال» در قرآن و مکتب اهل بیت (ع) که با پیش درآمدی در این خصوص، قسمت‌هایی را از مقدمه کتاب عدل الهی استاد شهید مطهری در شماره قبلی ارائه و ادامه آن را در این بخش ملاحظه خواهید فرمود.

۳- «اعتدال» در قانون اساسی و سیاست‌ها و راهبردهای کلی نظام نیز، در شماره بعدی به همراه جمع بندی مورد نظر حزب تمدن اسلامی تقدیم می‌گردد.

و اما ادامه بحث در بخش دوم (اعتدال در قرآن کریم و مکتب اهل بیت (ع)):

در قرآن کریم با استفاده از کلمه «قصد» مفهوم «اعتدال» بیان شده است. قصد و اقتصاد به معنی میانه‌روی و هم‌چنین، «سواء»، «حنیف» و «وسط» نیز به همین معنی به کار رفته است.

در آیه ۲۲ سوره قصص می‌فرماید: قال عیسی ربی این یهدینی سواء السبیل (حضرت موسی (ع) گفت: شاید پروردگارم مرا به راه میانه و اعتدال هدایت و راهنمایی فرماید.)

و در آیه ۶۷ سوره آل عمران می‌فرماید: ما کان ابراهیم یهودیاً و لا نصرانیاً و لکن کان حنیفاً مسلماً و ما کان من المشرکین (ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی بلکه او بر دین معتدل مسلمانی بود و از مشرکان نبود.)

در آیه ۱۴۳ سوره بقره هم می‌فرماید. و کذلک جعلناکم امه وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً و ... (و ما هم‌چنان شما مسلمین را امتی معتدل و وسط قرار دادیم تا گواه مردم باشید (تا سایر ملل درستی و نیکی را از شما بیاموزند) چنانچه پیامبر خدا (ص) را گواه شما کردیم (تا شما راه و رسم درست را از او بیاموزید...))

- در خطبه ۲۲۲ نیز آمده است که بندگان راستین خدا که چراغ هدایتند، افراد میانه رو،؟؟ و به رستگاری بشارت داده‌اند....

- در نامه ۳۱ نهج البلاغه که وصیت آن حضرت (ع) به امام حسن مجتبی (ع) می‌باشد «ترک میانه‌روی را انحراف از راه حق» فرموده است.

- و حکمت ۱۴۰ می‌فرماید: «ما غال من اقتصد. آن که میانه روی کند، تهیدست نمی‌شود.

همانطور که ملاحظه می‌نمائید، موارد تقدیمی نمونه‌ای است از هزاران مطالب و کلمات قرآنی و روایی از معصومین (ع) است. که آن هم به طور اختصار عنوان شده است. و جمع‌بندی این موضوع مهم و اساسی را در سوره حمد که آشنای هر مسلمان و نمازگزار است. در عبارت اهدنا الصراط المستقیم، (راه راست و بدون کجی و انحراف، راه انسانهای مورد عنایت و توجه الهی است) بیان فرموده و این راه غیر از راه گمراهان است که مورد غضب و خشم خداوندی خواهد بود. راه مستقیم که مورد درخواست بندگان شایسته و وارسته‌ی الهی است البته استقامت و پایداری در ماندن در این راه نیز از ضرورت‌های آن است. و در طول تاریخ افراد و ملت‌های کمتری تا پایان این راه مانده‌اند. و بایستی توجه داشت دور ماندن از این مسیر خسارت‌های سهمگین دنیایی و آخرتی را در پی خواهد داشت. و بستر همه ستم‌ها و جفاکاری‌های همین مسئله است.

هر کس در هر اندازه و قواره‌ای که باشد از آثار مثبت راه مستقیم و اعتدالی به همان اندازه بهره‌مند می‌شود و همدلی، صفا و صمیمیت، یکرنگی و وحدت ره آورد و ارمغان مبارک آن خواهد بود.

و خدای ناکرده نتایج منفی در کج‌روی و انحراف از «خط وسط» نیز به همان مقدار ضرر و خسارت خواهد داشت. و از عواقب خسارت بار آن تنگ‌نظری در اندیشه و عدم تحمل دیگران که خودمحوری، هوامداری را ببار آورده زمینه جدایی از پیکر جامعه و تفرقه و اختلافات را فراهم می‌سازد.

انشاءالله بخش دیگری از این مبحث در شماره بعدی خواهد آمد.

ادامه دارد

کلام بزرگان

آیت اله خامنه‌ای

دیدار ۹۲/۶/۲۶ با پاسداران انقلاب اسلامی

آیت اله خامنه‌ای تاکید بر این که نباید چالش اصلی را به چالش‌های خطی، رویارویی‌های جناحی و تقابل‌های فردی این و آن تلقی داد، خاطر نشان کردند: چالش اصلی، مقابله نظام سلطه با پیام شوق آفرین انقلاب اسلامی یعنی خودداری از ظلم و مظلوم واقع شدن است.

رهبر انقلاب با اشاره به نظم جدیدی که انقلاب اسلامی به بشریت ارائه می‌کند خاطر نشان کردند: نظام سلطه دنیا را به دو بخش ظالم و مظلوم تقسیم کرده اما انقلاب اسلامی منطق ظلم ستیزی و پرهیز از ظلم را همراه آورده و این منطق باعث شد پیام انقلاب در مرزهای ایران محصور نماند و مورد استقبال ملت‌ها قرار گیرد.

ایشان دولت‌های جبار، حکومت‌های وابسته به نظام سلطه و شبکه‌های غارتگر بین‌المللی را از جمله مخالفان پیام انقلاب ملت ایران برشمردند و افزودند: نظام سلطه و وابستگان آن، سه سیاست اصلی «جنگ افروزی، فقر آفرینی و فساد انگیزی» را دنبال می‌کنند و اسلام با همه این سیاست‌ها مخالف است و این مخالفت مبنای چالش اساسی با انقلاب است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با تاکید بر این که همه تحرکات و توطئه‌های دشمنان در ۳۴ سال اخیر باید در چارچوب این چالش اساسی تحلیل کرد، افزودند: موضوع هسته‌ای نیز باید با این نگاه ارزیابی شود.

ایشان خاطر نشان کردند: ما نه به خاطر آمریکا و غیر آمریکا بلکه به علت اعتقاداتمان سلاح هسته‌ای را قبول نداریم و وقتی می‌گوییم هیچ کس نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد قطعاً خودمان نیز دنبال آن نیستیم. اما هدف حقیقی مخالفان ایران در این زمینه چیز دیگری است.

رهبر انقلاب افزودند: این چند کشور البته نمی‌خواهند انحصارشان در زمینه انرژی هسته‌ای شکسته شود اما به خاطر این موضوع غوغا راه نمی‌اندازند. بنابراین غوغا و

جنجال آفرینی آمریکا غرب و جریانهای وابسته و دلبسته به آنها را در بحث هسته‌ای باید در چارچوب چالش عمیق نظام سلطه و انقلاب اسلامی درک و تحلیل کرد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در تبیین عمق خصومت مستکبران با انقلاب اسلامی تاکید کردند: عظمت امام خمینی (ره) بگونه‌ای بود که دشمنان نیز برای ایشان احترام قائل بودند اما در عمق نگاه دشمنان هیچ کس میغوض‌تر از آن آفتاب فروزان نبود.

* * *

آیت الله هاشمی رفسنجانی در روز میلاد با سعادت علی بن موسی الرضا (ع) در دیدار جمعی از جوانان حزب اعتدال و توسعه و گروهی از فعالان سیاسی در مقطع انتخابات ریاست جمهوری، با تبریک طلوع خورشید خراسان گفت: ایران اسلامی در طول تاریخ از کانون نور در مشهد مقدس بهره‌مند بود و خواهد بود.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به سالگرد آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، با ارائه تحلیلی از اوضاع سیاسی و نظامی دو کشور در آن مقطع گفت: دلاوری‌های جوانان ایرانی در بیابان‌های تفتیده جنوب و کوه‌های پوشیده از برف غرب کشور، نقشه‌های محوس مثلث شوم آن زمان یعنی شرق و غرب و ارتجاع برای شکست انقلاب اسلامی توسط ارتش بعث را نقش بر آب کرد.

فرمانده ۸ سال دفاع مقدس با گرامیداشت یاد و خاطره همه شهدا، جانبازان، آزادگان، مفقودان، ایثارگران، مهاجران جنگ زده و مرزنشینان غیور گفت: اگرچه آن جنگ بسیاری از خانواده‌های ایرانی را عزادار و گرفتار کرد اما تحمل تلخی‌هایش در دفاع از اسلام، ایران، انقلاب و قانون اساسی شیرین و الهام‌بخش بود.

وی با تاکید بر رعایت اصول قانون اساسی که بر پایه اندیشه‌های اعتدالی اسلام تدوین شد، گفت: اگرچه افراد افراطی در مقاطعی از سالهای پس از انقلاب سعی کردند حاشیه‌های پیرایه‌ای را به متن اسلامی انقلاب بیفزایند اما مردم که معنای اعتدال و جایگاه آن در همه ابعاد زندگی را خوب می‌دانند با رویکردی عقلانی به صندوق‌های رای ثابت کرده‌اند که رشد آگاهی عمومی بالاترین دستاورد انقلاب در مقطع فعلی بود.

* * *

کمال مطلق

(امام خمینی ره) جلد ۱۴ صحیفه

فطرت انسان فطرت الله التي فطر الناس علیها (۳). این فطرت توحید است. فطرت کمال مطلق است. تا آنجا نرسید، هی می‌خواهید. دنبال یک گمشده‌ای شما هستید. عوضی می‌گیرید آن گمشده را. ماها همه عوضی می‌گیریم. هر کس خیال می‌کند این که آن چیزی که دیگری دارد کاش مال من بود، وقتی پیش دیگری می‌روی می‌گوید آن چیزی که آن دارد کاش پیش من بود. هردوشان هم برسند به آن مطلب، می‌بینند نه این آن نبود. دنبال چیزی شما هستید که آن کمال مطلق است؛ یعنی همه در فطرتشان خداست و این اثبات می‌کند که یک همچو کمال مطلق تحقق دارد.

عشق فعلی محال است بی‌عاشق فعلی، بی‌معشوق فعلی. این از ادله محکم ثبوت کمال مطلق است. پس، این قدر دنبال این ورق و آن ورق و این جبهه و آن جبهه و این طرف و آن طرف نگردید. زحمت ندهید خودتان را، شما سیر نخواهید شد. دنبال چیزی بروید که شما را شاداب کند؛ مطمئن کند نفس شما را. هرچه زیادتیر دستتان بیاید تزلزل زیادتیر می‌شود. انسان فطرتش این طوری است. چون کمال مطلق را می‌خواهد، عوضی گرفته است. وقتی که اینجا را گرفت، می‌بیند این نیست، یک چیز زیادتیری من می‌خواهم. رئیس جمهور آمریکا دیگر قانع نیست به این که یک کشور، دوتا کشور، ده کشور، مال او باشد. شما قانعید که یک اداره دیگری را دستتان بدهند. چون حالا نمی‌دانید. اما اگر هر یک از شما را به جای رئیس جمهور آمریکا بگذارند یا شوروی بگذارند همان آشوبی که زیادتیر الان در دل آنها هست و در دل شما شعله‌اش کمتر است، همان آشوب در قلب شما زیادتیر می‌شود و اگر همه دنیا را به شما بدهند آشوب زیادتیر خواهد شد؛ تزلزل زیاد می‌شود. آنکه انسان را از تزلزل بیرون می‌آورد خداست. با یاد خداست که تزلزلها ریخته می‌شوند؛ اطمینان پیدا می‌شود. وقتی اطمینان پیدا شد و ذکر خدا و یاد خدا شد، وقتی است که مخاطب می‌شود به این خطاب: یا ایته‌ا النفس المطمئنه در روایتی است که خطاب به حضرت سیدالشهدا است. (۴) آن وقت است که به شمایی‌گویند که فادخلی فی عبادی نه فی عبادالله: نه فی عباد دیگر. «فی عبادی» یک عنایت خصوصی است مال خودم. این

بشر مال خودش است. وقتی این طور شد جنتش هم فرق دارد با جنتهای دیگر. شما خیال نکنید که بهشت شماها و ماها مثل بهشت رسول الله است. خیر، آن وضع دیگری است، «جنتی» است. «الجنة» مال همه [است] ان شاء الله، لکن وقتی به آنجا رسید، «جنتی» است دیگر، دیگر دل به جای دیگر نمی‌رسد. پس دنبال چه می‌گردید شماها که با قلمتان، با زبانتان، کوشش می‌کنید که مثلا یک چیزی دستتان بیاید. شما خیال می‌کنید که دست می‌شود. مطلب دستتان که آمد دیگر مطمئن می‌شوید، نه! وقتی دستتان آمد، زیادتر متزلزل می‌شوید، نگرانیها بیشتر می‌شود. برای آن درویشی که یک گوشه‌ای نشسته و فرض کنید یک لقمه نانی پیدا می‌کند، تشویش خاطر کمتر است از رئیس جمهور آمریکا، او تشویش خاطرش زیادتر است، نآسوده‌تر است؛ متزلزل‌تر است؛ نگران‌تر است. کاری نکنید نگرانیها رفع بشود، نه زیاد کنید نگرانیها را. هر چه بروید، جلو، نگرانیها زیاد می‌شود.

* * *

در قسمتی از بیانات آیت اله جوادی آملی در درس اخلاق مورخ

۱۳۸۷/۸/۲ آمده است:

مرحوم بوعلی‌سینا در موضوع معراج یک رساله‌ای نوشته، در آن رساله معراجیه وجود مبارک رسول گرامی (ص) یک سفارشی، یک نصیحتی نسبت به وجود مبارک حضرت امیرالمومنین (ع) دارد. آن سفارش را وقتی ابن سینا می‌خواهد نقل بکند که به امیرالمومنین (علیهما السلام) چه گفت، تعبیر مرحوم بوعلی این است: الذی هود بین اصحابه کالمعقول بین المحسوس. علی در بین یاران پیامبر مثل عقل است در برابر چشم و گوش. یعنی دیگران حواسند و علی عقل است؛ دیگران محبوسند، او معقول است؛ دیگران حاس‌اند و حواسند، او عقل است؛ او عقل جامعه است. عقل برای تنظیم و تعدیل مجاری درک و فعل حواس ماست؛ پس امام این است!

ما که اعضاء و جوارح این عقلم و این عقل که به منزله قلب ماست؛ مادامی زنده‌ایم که با این محور عقلی و علمی رابطه داشته باشیم. اگر رابطه ما از قلب ما قطع بشود دیگر حیاتی نیست! اگر یک کسی رابطه اساسی و اعتقادی و علمی با امامش نداشته باشد دیگر او زنده نیست! اگر ارتباطش در حد ضعیف بود، فقط به زیارت امام

رفت یا در شهادت او اشک ریخت؛ این رابطه‌اش بسیار ضعیف است. مثل کسانی که بیماری قلب دارند یعنی رابطه‌شان با قلب ضعیف است. بنابراین وقتی جامعه زنده است که ارتباطش با امامش، ارتباط حس با عقل باشد.

ما اگر در مسائل اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی به آن عمقش نرسیم، چگونه می‌توانیم از رهنمود عقل منفصله‌مان مدد بگیریم؟ ما باید این مکتب‌ها را ارزیابی کنیم. عصاره اشکالات و شبهات راه پیشگاه عقل منفصله‌مان بپریم؛ جواب را از آنجا دریافت بکنیم. بنابراین آشنائی با همه رشته‌ها و شبهات روز وظیفه همه ماست. منتها هر کسی در هر رشته‌ای که ذات اقدس اله به او عطا کرده است، که الناس معادن کمعادن الذهب و الفضة. آن وقت عظمت و جلال و شکوه علمی وجود مبارک امام صادق (ع) روشن میشود. همان‌طوری که عده‌ای از شام آمدند، خواستند سوال کنند؛ فرمود: اگر شما قصد سوالات فقهی دارید، از حمران ابن اعین بپرس: اگر مشکل اعتقادی داری، از هشام بن سالم بپرس، یا از هشام بن حکم بپرس.

این شاگردهای خودشان هم تقسیم کار کردند؛ خیلی‌ها هستند که دارای استعداد متوسطند، معدودی از افراد دارای یک استعداد بالا هستند، وجود مبارک امام صادق به هشام بن حکم و هشام بن سالم که هر دو جزء شاگردان اختصاصی حضرت بودند فرمودند: شما کارهایتان را تقسیم بکنید؛ به یکی فرمود: تو با هر کسی مناظره نکن. لانک تطیر و تقع، تو یک مقدار پرواز می‌کنی، ولی می‌افتی؛ اما آن یکی حق مناظره دارد، برای این که و هو یطیر و لا یقع. آن طیران دارد، پرواز می‌کند، اوج می‌گیرد، سقوط هم نمی‌کند چون همه در یک حد نیستند؛ استعدادها یک حد نیستند این بود که وجود مبارک امام صادق در شرائط تاریخی‌ای قرار گرفت که اموی و عباسی به جان هم افتاده بودند. فرصت تاریخی‌ای پیدا شد وجود مبارک حضرت رشته‌های تخصصی داشت. استعدادها را شناسایی کرد، شاگردان فراوانی تربیت کرد که حداقل گفتند: ۴ هزار شاگرد تربیت کرد. به حمران بن اعین گفت: شما برو در مسجد جامع کوفه بنشین. لانک افتی الناس، برو فتوا بده، مجتهد می‌پروراند، و هشام بن سالم، هشام بن حکم این طور بود، هم رشته‌های تخصصی بود، هم مجتهد پروری؛ لذا شده رئیس مذهب! و یک چنین آدمی قلب ماست.

در این ایام بالاخره آدم اشک می‌ریزد، جامه مشکی در بر می‌کند ولی این گوشه‌ای از اظهار ارادت به وجود مبارک امام صادق است. حیات ما حیات علمی است؛ هر اندازه که چیز فهمیدیم، معلوم می‌شود که به امام مرتبطیم؛ هر اندازه که مشکل علمی داریم، از تحقیقات و پژوهش و تفحص و اینها فاصله گرفتیم و چیز جدیدی گیر ما نیامد؛ معلوم می‌شود از امامان فاصله گرفتیم. برای اینکه او قلب عاقلانه جامعه است و عقل تپنده ملت اسلامی است! اگر انسان با قلب رابطه دارد، آدم بفهمی است! اگر ما مطلب عمیق که جان‌کننده می‌خواهد را فهمیدیم، معلوم می‌شود با آن رابطه داریم. به همان اندازه تشیع ما قوی‌تر است، ارادت ما قوی‌تر است، ولایت‌مداری ما قوی‌تر است، مهر و صفا و وفای آن حضرت نسبت به ما بیشتر است؛ که امیدواریم ذات اقدس اله همه ما را از این سفره گسترده متنعم بفرماید!

مناسبت‌های ماه

مناسبت‌های مهر ماه ۱۳۹۲

- پنجم مهر سال ۱۳۶۰ شمسی رزمندگان اسلام در ساعت ۲ بامداد طی عملیات ثامن الائمه با مشارکت ۱۶ گردان از سپاه، ۱۳ گردان از ارتش و یک گردان از ژاندارمری حصر آبادان شکسته شد. در این عملیات ۱۵۰ کیلومتر از اراضی اشغال شده آزاد و ۳۰۰۰ نفر بعثی کشته و زخمی و ۱۶۵۰ نفر به اسارت نیروهای اسلامی در آمدند. همچنین ۹۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰۰ دستگاه انواع خودروی عراقی منهدم و ۳ فروند هواپیما و یک فروند هلی‌کوپتر سرنگون و ۱۰۰ دستگاه تانک، ۶۰ دستگاه نفربر، ۳ دستگاه لودر و ۱۵۰ دستگاه خودرو به غنیمت گرفته شد.
- هفتم مهر در سال ۱۳۶۰ طی یک سانحه هوایی سرداران نظام اسلامی نامجو، جهان آرا، کلاهدوز، فکوری و فلاحی به شهادت رسیدند.
- نهم مهر روز همبستگی و همدردی با کودکان و نوجوانان فلسطینی است.
- سیزدهم مهر سال ۱۳۵۷ شمسی امام خمینی (ره) با فشارها و محدودیت‌های استکبار جهانی از طریق صدام عفلقی، نجف را به مقصد کویت ترک کرد، حکومت وابسته کویت نیز از ورود ایشان ممانعت و امام راحل (ره) به پاریس هجرت کردند.
- چهاردهم مهر برابر با سی‌ام ذیقعد حضرت امام جواد (ع) در سال ۲۲۰ هجری قمری به دستور معتصم عباسی هشتمین طاغوت عباسی توسط ام الفضل دختر مامون مسموم و در سن ۲۵ سالگی در بغداد به شهادت رسیدند.
- بیستم مهرماه سال ۱۳۶۶ تعداد ۴۰۰ نفر از زائران ایرانی خانه خدا در ششم ذی الحجه به دست مأموران آل سعود در کنار حرم امن الهی به شهادت رسیدند و بیش از ۱۰۰۰ نفر زخمی شدند.
- بیست و یکم مهرماه مطابق با هفتم ذی الحجه حضرت امام محمدباقر (ع) در سال ۱۱۴ هجری قمری توسط هشام بن عبدالملک دهمین طاغوت اموی مسموم و در سن ۵۷ سالگی در مدینه به شهادت رسیدند.

از دعاهای حضرت امام هادی (ع):

ای فدای عزیز، عزت در پرتو عزت تو است، با عزت فودت مرا عزت بفش و با یاری فودت یاری کن و القائنات شیطانها را از من دفع کن و مرا در مریخ دفاع فود قرار بده و با اقدام فود مرا از گزندها و آسیبها، نگاهبانی فرما، و مرا از شایسته‌ترین مفلوقاتت قرار ده، ای فدای یکتا، یگانه، بی‌همتا و بی‌نیاز.

- بیست و سوم مهرماه سال ۱۳۶۱ آیت اله اشرفی اصفهانی امام جمعه و نماینده امام راحل (ره) در کرمانشاه به دست منافقان بدتر از کفار در محراب نماز جمعه به شهادت رسیده و پنجمین شهید محراب نامیده شد.
- بیست و چهارم مهرماه مصادف با دهم ذی الحجه عید سعید قربان می‌باشد.
- همچنین در ۲۳ مهرسال ۱۳۵۷ در جریان انقلاب اسلامی، مسجد جامع کرمان به دست مزدوران طاغوت پهلوی به آتش کشیده شد.
- بیست و نهم مهرماه برابر با ۱۵ ذی الحجه حضرت امام هادی (ع) در سال ۲۱۲ هجری قمری در روستای صریا نزدیک مدینه ولادت یافتند.

بسمه تعالی

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر مصباحی مقدم

رئیس محترم کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی

با سلام و احترام

همانگونه که جنابعالی به خوبی واقفید نهاد نظارتی حساس دیوان محاسبات به عنوان چشم همیشه بیدار مردم، نظام و مجلس شورای اسلامی دارای سابقه ۱۰۰ ساله برابر با عمر مشروطه است، نهادی که در عرض سایر واحدهای نظارتی قوا می‌باشد و در کنار کمیسیون‌های تخصصی مجلس که آنها هم به سهم خود بخشی از نظارت از طرف مجلس شورای اسلامی بر قوه مجریه و سایرین را به عهده دارد، نهادی است که برای پاسخگویی و کلا به موکلین (مردم) وقوه مقننه به مردم وبه طور خاص پاسخگویی به مقام معظم رهبری طبق اصل ۵۷ قانون اساسی می‌باشد.

پس از انتصاب جناب آقای دکتر رحمانی فضلی به سمت وزیر کشور، ایشان در جلسه تویع خود در مورخ ۹۲/۵/۲۶ طی حکمی آقای رحیمی دادستان دیوان محاسبات را به عنوان قائم مقام منصوب نمود. پس از این تغییر و تحول، مجلس بار دیگر در آزمون انتخاب رئیس دیوان محاسبات کل کشور قرار گرفت.

زمزمه‌های تعیین ریاست دیوان محاسبات از طریق کمیسیون تخصصی برنامه و بودجه و محاسبات باعث گردید اینجانب (سید محمد میرمحمدی) نیز با پیشنهاد و اصرار دوستان و دلسوزان با ارائه سوابق و تجربیات و تالیفات جهت تصدی پست مذکور ثبت نام نمایم. مستحضرید از ثبت نام کاندیداها تا تعیین گزینه اصلی، فرآیندی به شرح ذیل طی شد که جهت آگاهی و مذاقه بیشتر در آنچه در مجلس گذشت تقدیم می‌گردد:

۱- کمیسیون مذکور در یک تصمیم جدید و غیرمنتظره برای اولین بار اعلام

می‌دارد که داوطلبین باید تا پایان روز چهارشنبه ۹۲/۵/۳۰ در کمیسیون

برنامه و بودجه و محاسبات ثبت نام به عمل آورند.

در غم ما روزها بیگانه شد
روزها با سوزها همراه شد
روزها گرفت و رفت و گو رو پاک نیست
تو بمان ای آنکه چون تو پاک نیست
به مناسبت روز بزرگداشت مولوی

- ۲- در زمان اعلام شده، تعداد ۳۱ نفر از علاقه‌مندان و کسانی که به هر نحو خود را واجد شرایط ریاست می‌دانستند ثبت نام به عمل آورده و بیوگرافی و مستندات آن را برای کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات ارسال نمودند.
- ۳- در ابتدای امر کمیته امور عمومی متشکل از برخی اعضای محترم کمیسیون برنامه و بودجه شکل گرفت و مسئول بررسی سوابق اعم از علمی، مدیریتی، تجربی و ... کاندیداها گردید. وظیفه این کمیته معرفی ۳ یا ۵ نفر، افراد واجد شرایط برای طرح در کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات بود که بعد از آن کمیسیون از بین ۳ یا ۵ نفر یک نفر را طبق قانون برای اخذ رای از سایر نمایندگان محترم به صحن علنی معرفی می‌نماید.
- ۴- کمیته امور عمومی پس از ملاحظاتی بالاخره به جای ۳ یا ۵ نفر اسامی ۱۱ نفر را بر اساس امتیاز مکتسبه به ترتیب اعلام می‌نماید که پیدایش عدد ۱۱ نیز سوال برانگیز است.
- ۵- در مورخ ۹۲/۶/۵ طبق دعوت قبلی کمیته امور عمومی ۱۱ نفر واجد شرایط در کمیسیون حاضر شده و معارفه و یا مصاحبه می‌شدند.
- ۶- در مورخ ۹۲/۶/۶ کمیته مذکور، اسامی ۵ نفر را از بین ۱۱ نفر به کمیسیون معرفی می‌نماید که نکاتی را در بر دارد:
- ۶/۱- یکی از افراد محترم معرفی شده خود از اعضای کمیسیون برنامه بودجه بوده که همزمان سمت بررسی سوابق رقبا و سایر داوطلبان پست ریاست دیوان را نیز بر عهده داشته (عضو کمیته امور عمومی) و در ادامه ایشان پس از معرفی به کمیسیون (یکی از ۵ نفر) به نفع دیگران کنار می‌رود و در واقع حق طرح نفر پنجم در کمیسیون نیز سلب می‌شود.
- ۶/۲- جناب آقای گرانمایه پور که جزو ۱۱ نفر دعوت شده به کمیته بودند (طبق شایعه انتخاب ایشان جزو ۵ نفر حتمی بوده) پس از مراجعه برای مصاحبه بعد از چند لحظه در حالی که فنجان چای در دست داشتند از کمیته خارج شده و از ایشان سوال کردم چه شد که جواب کلی دادند. از دوستان دیگر پرسیدم وضعیت آقای گرانمایه پور

- چه شد در جواب گفتند اعضای کمیته به ایشان گفتند که ما شما را می‌شناسیم دیگر لزومی به آشنایی بیشتر نمی‌باشد (این همان سفارش مولی متقیان به قاضی است که می‌فرماید قاضی باید حتی در نگاه کردن به اعضای دعوا عدالت را رعایت نماید).
- ۶/۳- نحوه تعیین این ۵ نفر معلوم نیست بر چه اساس و شاخصی بوده است. آیا مگر نه این که بر اساس بند ۴ فوق اسامی معرفی شده بر اساس امتیاز کسب شده بوده است؟ ظاهراً کمیته که به تدریج تاموقع رای‌گیری به ۸ نفر رسیده مجدداً بدون توجه به رتبه‌بندی امتیازات رای‌گیری استصوابی کرده است.
- ۷- درست است که مجلس جای استصواب است و استصواب نیز حق مجلس است ولی لااقل از اول به طور صریح اعلام می‌کردند هر چند نفری که ثبت نام کنند به قید قرعه یا به قید آرا خام یا برنامه‌ریزی شده به یک یا چند نفر رای می‌دهیم هر کس بیشترین رای را آورد به مجلس معرفی می‌شود تا آنجا که من سابقه عضویت در کمیسیون فوق را در مجلس ششم و هفتم داشتم، می‌دانم این کمیسیون، کمیسیون حساس نظارتی و کارشناسی مجلس است و نباید این کمیسیون به این روند تن بدهد. خدا می‌داند اگر در مورد برنامه و بودجه، امور اداری و استخدامی و حتی ساختار سازمان‌های موضوع اصل ۱۲۶ قانون اساسی نیز تحت تاثیر لابی باشد خسارات زیادی حاصل خواهد شد. غرض از تصدیق این است که شاید دلسوزان کمیسیون که اکثریت اعضا محترم آن را شناخته و بعضاً در گذشته همکار بوده ایم بویژه رئیس فرهیخته و قابل احترام این کمیسیون و سایر روسای فرهیخته کمیسیون‌های مجلس و فراکسیون‌ها با فکر اصلاح این فرآیند باشند و نسبت به تصمیمات آینده که سرنوشت ساز است حساسیت بیشتری را نشان دهند.
- ۸- طبق اصل ۶۹ قانون اساسی مترقی ج ۱۱ مردم از طریق رادیو و روزنامه رسمی در جریان مذاکرات وکلای خود و نیز از طریق گزارش تفریح بودجه قوا و بطور خاص عملکرد قوه مجریه قرار می‌گیرند. طبق اصل ۵۵ قانون اساسی، این نهاد، نهادی است که باید پویا بوده، سیر تکاملی داشته و اثربخشی و کارایی لازم را داشته باشد شایسته سالاری و نداشتن روحیه بده بستان‌های سیاسی بجای تعامل منطقی و همکاری با دستگاههای نظارت شونده و نظارت کننده هم خود باعث اعتبار مجلس

است و هم اعتبار بخش به فعالیت‌های مالی دستگاه‌های اجرایی تحت نظارت می‌باشد.

ضمناً به استحضار می‌رساند ضمن احترام به جناب آقای رحیمی دادستان محترم فعلی، نهاد دیوان محاسبات فقط یک نهاد حقوقی و قضایی نیست که هم رئیس و هم دادستان آن همزمان قاضی باشند. بحث‌های مدیریتی، کارشناسی، مالی، حسابرسی و سایر امور حرفه‌ای و وظایفی که در قانون محاسبات، دیوان محاسبات و سایر قوانین بر عهده دارد ایجاب می‌کند که لاقلاً رئیس به عنوان مدیر و دادستان به عنوان حقوقدان انتصاب شوند تغییر دادستان محترم در این مقطع به این معناست که مجلس را در برابر این امر قرار می‌دهد که رئیس دیوان و دادستان دیوان هر دو قضایی باشد و شائبه وابستگی دیوان محاسبات به قوه قضائیه را در ذهن متبادر می‌سازد.

سید محمد میرمحمدی

نماینده و عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات

دوره ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی

(دبیر کل حزب تمدن اسلامی)

۱۳۹۲/۶/۱۲

کلانشهر تهران

تهران امروز ۹۱/۵/۲۰

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی «طرح انتقال پایتخت» را مورد بررسی کارشناسی قرار داد و طی گزارشی اعلام کرد که تهران با چهار مشکل بزرگ مواجه است و سیاست انتقال پایتخت باید به گونه‌ای باشد که خدمت رسانی اداری - سیاسی خدشه دار نشود. دفتر مطالعات برنامه و بودجه، سیاسی، حقوقی، زیربنایی و فرهنگی این مرکز در اظهارنظر کارشناسی خود در مورد «طرح انتقال پایتخت» اعلام کرد: از سال ۱۲۱۰ هجری قمری که آقامحمدخان قاجار، تهران را با جمعیتی حدود ۳۰ هزار نفر به عنوان پایتخت انتخاب کرد، تا حال که جمعیت آن به بیش از ۱۳ میلیون نفر می‌رسد، این شهر دچار فرار و نشیب‌های بسیار و شاهد وقایع تلخ و شیرینی بوده است. تهران در کنار دامنه البرز با مشکلات خاص خود کنار می‌آید. آلودگی هوا، ترافیک، هزینه بالای زندگی و مسکن و... نیز نتوانسته‌اند از محبوبیت آن بکاهد و این شهر کماکان مورد توجه است و سیل مهاجرت به سوی آن ادامه دارد. یکی از معضلات موجود در شهر تهران نیز همین مهاجرت است که زندگی را برای مردم این شهر با دشواری روبه‌رو کرده است در حالی که بسیاری از راهکارهایی که تا کنون در قالب بهبود نظام مدیریت شهر تهران مطرح شده‌اند به دلایلی همچون عدم قابلیت اجرا در شرایط فعلی کشور یا عدم برخورداری از حمایت‌های لازم در مرحله اجرا به سرانجام مطلوب نرسیده‌اند. صحبت از راهکار انتقال پایتخت که از هزینه‌های اجرایی بسیار بیشتری نسبت به سایر راهکار برخوردار بوده و تبعات ناشی از آن نیز تا حد زیادی روشن نیست مستلزم بررسی‌های همه جانبه و گسترده‌ای است. مرکز پژوهش‌ها در ادامه نظر کارشناسی و راهکار پیشنهادی خود را در مورد طرح انتقال پایتخت از تهران بدین شرح اعلام کرد:

۱- راجع به طرح انتقال پایتخت

- با توجه به ضرورت تشکیل شورایی عالی به منظور مطالعه و بررسی برای اتخاذ راهکارهای لازم برای برون رفت از وضعیت موجود شهر تهران، تصویب کلیات طرح توصیه می‌شود.
- در ماده (۴) طرح بر راهبرد شورا اشاره شده که باید ساز و کارهای نظارتی لازم را برای ارزیابی عملکرد و نتایج تحقیقات در نظر گرفت.
- چنانچه نتیجه مطالعات و بررسی‌ها مبتنی بر انتقال پایتخت سیاسی - اداری از شهر تهران باشد لازم است طرح یا لایحه‌ای بر اساس مطالعات انجام شده تدوین و به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.
- منبع تامین هزینه طرح باید توسط مجلس شورای اسلامی پیش‌بینی شود تا مغایرت طرح با اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی رفع شود.

۲- بهبود نظام مدیریت شهر تهران

شهر تهران با چهارمشکل عمده و بزرگ مواجه است که ضرورت اصلاح و نوسازی نظام مدیریتی آن را بیش از پیش نمایان می‌کند:

- ۱- تراکم بیش از حد جمعیت
- ۲- آلودگی شدید هوا و ترافیک سنگین
- ۳- مشکل تامین آب برای این شهر بزرگ
- ۴- زلزله خیز بودن تهران

بدون تردید شهر تهران با مشکلات متعدد و انکارناپذیری مواجه است که توجه به حل مشکلات این ابرشهر را ضروری می‌کند.

یکی از راهکارها، انتقال پایتخت است اما بدون شک تنها راهکار نیست، انتقال پایتخت منابع مالی بسیاری را می‌طلبد بدون آن که بتوان از نتایج مثبت آن چشم انداز دقیقی داشت.

چنانچه راهکار مناسب برای حل معضلات شهر تهران در قالب عدم انتقال پایتخت مدنظر باشد باید با اتخاذ تصمیمات عملی که از پشتوانه بررسی‌های کارشناسانه

برخوردارند نسبت به نوسازی و بهبود مدیریت شهر تهران و کاهش مشکلات بی‌رویه آن اقدام کرد و برای حل چنین چالش‌هایی، ارتقای جایگاه مدیریت شهری با توجه به ابعاد زیر ضرورت دارد.

- تمرکززدایی
 - جلب مشارکت عمومی مردم برای مدیریت شهری
 - بهبود و توسعه ساختار سازمانی و مدیریت منابع انسانی
 - بهبود اوضاع مالی و اقتصادی از طریق ایجاد درآمدهای پایدار
- تحقق اهداف فوق مستلزم آن است که نظام مدیریت شهری مسئول اداره و هدایت تمام فضای جغرافیایی و کارکردهای شهری باشد و تمام عناصر و سازمان‌های ذی‌ربط و تمام محدوده شهر را تحت نظارت داشته باشد. از این رو شهر به عنوان کلبیتی یکپارچه و به هم پیوسته به سازمانی متشکل و مقتدر یا مدیریتی یکپارچه و کارآمد نیازمند است.

۳- ایجاد پایتخت سیاسی - اداری جدید.

انتقال پایتخت همواره به عنوان یکی از راهبردهای حل معضلات کلانشهر تهران مطرح بوده و در این طرح نیز انتقال پایتخت سیاسی به مکانی جدید مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس با توجه به شرایط کنونی کشور و شهر تهران و تاکید بر راهبرد اصلاح گرایانه و ترمیم آن ارائه رهیافت انتقال مراکز سیاسی - اداری باید با کمال دقت و بر پایه مطالعات کارشناسانه در حوزه‌های اقتصادی - سیاسی و امنیتی و استدلال‌های منطقی - عملی و اجرایی باشد.

در نتیجه شورایی عالی انتقال پایتخت متشکل از کارگروه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی - در مرحله نخست به صورت آزمایشی - و به تبع آن انجام مطالعات ضروری در مورد ظرفیت سنجی مکان‌های جغرافیایی منتخب برای انتقال پایتخت سیاسی از تهران را باید بر عهده گیرد.

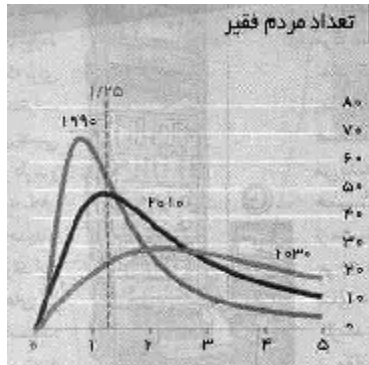
مرکز پژوهش‌ها در پایان برای انتقال مرکزیت سیاسی اداری چند نکته را بدین شرح متذکر شد:

فقر جهانی

تجارت فردا - ۹۲/۳/۱۸

(قسمت دوم و پایانی)

نقطه شیرین



در مطالعه‌ای که توسط اتاق فکر موسسه بروکینگ در واشنگتن انجام شد توزیع مصرف یعنی تعداد افرادی که یک دلار، دو دلار و یا بیشتر در روز مصرف می‌کنند در کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه قرار گرفت. این مطالعه نشان داد مصرف چگونه در طول زمان تغییر کرده است و در آینده چه روندی خواهد داشت. توزیع نقاط بر

روی نمودار شکل کلاهخود آتش‌نشانان را به وجود آورد که نوکی تیز و دنباله‌ای پهن دارد. در سال ۱۹۹۰ عملاً فرد بدون درآمد وجود نداشت اما اوج نمودار قبل از خط فقر است و متعاقب آن افراد ثروتمند در سمت راست قرار می‌گیرند. با ثروتمند شدن کشورها کلاهخود به سمت راست متمایل می‌شود که حاکی از افزایش مصرف خانوارهاست هر چه نرخ رشد سریع‌تر باشد منحنی بیشتر به سمت راست متمایل می‌شود. بنابراین نرخ و مصرف ۴/۳ درصدی از سال ۲۰۰۰ به بعد باعث شد تا منحنی به میزان زیادی به سمت راست متمایل شود اما شکل خطوط هم اهمیت دارد نمودار نشان می‌دهد در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ نقطه اوج اندکی در سمت چپ خط فقر قرار دارد. با حرکت منحنی به سمت راست نقطه اوج به طرف دیگر خط فقر کشیده شد که نشان می‌دهد تعدادی زیادی از مردم در سال‌های ۲۰۱۰ - ۱۹۹۰ موفق شدند از خط فقر عبور کنند. در حال حاضر جهان در نقطه‌ای شیرین قرار گرفته است. تعداد زیادی از مردم در سطح مصرف ۱/۲۵ دلار در روز قرار دارند. یعنی رشد باعث می‌شود

۱- با توجه به شرایط کنونی شهر تهران و تاکید بر راهبرد اصلاح‌گرایانه و ترمیم آن ارائه رهیافت انتقال مرکز سیاسی باید با کمال دقت و برپایه مطالعات کارشناسانه در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و استدلال‌های منطقی، عملی و اجرایی باشد. در همین راستا تشکیل شورایی (همانند آنچه در طرح پیشنهاد شده است) با یک موسسه برای مطالعه، امکان‌سنجی و جایابی پایتخت جدید، بررسی چالش‌ها، تهدیدها، آثار مالی اجرای طرح و بررسی ابعاد مختلف موضوع امری ضروری است.

۲- استراتژی جابه‌جایی مراکز مورد نظر تهران باید بر سه عامل اصلی استوار باشد:

الف) وفاق عمومی و فرایند تشریک مساعی میان نهادهای ذی‌ربط، به نحوی که حوزه سیاسی - امنیتی متزلزل نشود.

ب) اعمال مدیریتی قوی و منسجم و برنامه‌ریزی مناسب و پویا بر اساس حفظ و عدم تضعیف یکپارچگی ملی

ج) تدوین شاخص‌ها و نماگرهای مناسب و واقعی برای روشن‌سازی فرآیند جابه‌جایی و سپس ارائه بازخوردهای آن به عوامل اجرایی ذی‌ربط.

در انتقال و سازماندهی مجدد پایتخت سیاسی - اداری بر موارد ذیل تاکید می‌شود:

الف) پایبندی به سنت‌های سیاسی، توسعه تاریخی و ظرفیت‌های محیطی

ب) موقعیت ارتباطی، خوانایی و تنوع ساختاری و مانوس بودن آن با سایر مولفه‌های اجتماعی فضایی

جایابی دفاتر اداری و وزارتخانه‌ها به شکل عمومی در خارج از تهران و در شهرهای دورتر در سایه کوچک شدن وزارتخانه یک امر مسلم است، اما این سیاست باید به گونه‌ای باشد که خدمت‌رسانی اداری - سیاسی خدشه‌دار نشود.

ضمناً با وجود آثار مثبت طرح انتقال پایتخت، جداسازی کامل بخش‌های اصلی (ملی) متشکل از قوای سه‌گانه معمولاً متداول نیست.

افراد بیشتری از خط فقر جهانی بگذرند به جای آن که سطح مصرف بالاتر رود. به همین دلیل می‌توان گفت رشد سهم بیشتری در کاهش فقر دارد. اما با تداوم رشد کشورها و امتداد منحنی به سمت راست اوضاع تغییر می‌کند. منحنی به خط راست تبدیل می‌شود. در سال ۲۰۱۰ حدود ۸۵ میلیون نفر روی خط فقر یا اندکی پایین‌تر از آن (با سطح مصرف ۱/۲۰ یا ۱/۲۵ دلار در روز) قرار داشتند. اگر فقر به همین صورت کاهش یابد تعداد این افراد کمتر شده و به ۵۶ میلیون در سال ۲۰۲۰ و ۲۸ میلیون در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید. البته این اخبار امیدوارکننده است. تعداد فقرا کمتر می‌شود اما این بدان معناست که حتی با وجود رشد مصرف نرخ کاهش فقر باید کند شود اگر رشد اقتصادی بالاتر نرود نمی‌توان نرخ کاهش فقر را به صورتی حفظ کرد که مانند گذشته افراد زیادی از خط فقر عبور کنند. آقای راولیون تلاش می‌کند با انجام محاسباتی نشان دهد نرخ‌های متفاوت مصرف خانوارها چه تاثیری بر کاهش فقر دارند و درآمد خانوار تا چه اندازه باید رشد کند تا فقط مطلق از بین برود. تصویری که او می‌سازد بسیار خوش‌بینانه است. اگر کشورهای در حال توسعه عملکرد پس از سال ۲۰۰۰ خود را حفظ کنند تعداد افراد بسیار فقیر جهان از ۱/۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۰ به فقط ۲۰۰ میلیون نفر در سال ۲۰۲۷ خواهد رسید. این دستاورد بزرگی خواهد بود. کاهش شمار افراد بسیار فقیر از ۱/۹ میلیارد نفر در سال ۱۹۹۰ به ۱/۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۰ به مدت ۲۰ سال به طول انجامید. مطابق پیش‌بینی آقای راولیون یک میلیارد نفر ظرف ۱۷ سال از فقر مطلق رها می‌شوند یعنی فقط ظرف ۱۰ سال (۲۰۲۲-۲۰۱۲) ارقام نصف خواهند شد. اما حتی این تصویر هم فقر را به صفر نمی‌رساند. ۲۰۰ میلیون فقیر به معنای فقر سه درصدی است. رسیدن به صفر نیازمند اقداماتی مهم‌تر است. آقای راولیون برآورد می‌کند که برای کاهش فقر تا یک درصد در سال ۲۰۲۷ لازم است مصرف خانوارها به ۷/۶ درصد در سال برسد. این رقم کاملاً غیرواقعی است.

امیدواری‌های بیشتر

تحقیقات دیگر نتایج مشابهی داشته‌اند. اگر رشد اقتصادی دو واحد از مقدار پیش‌بینی شده بیشتر باشد نرخ فقر سه درصد خواهد بود. اما اگر دو واحد کمتر شود نرخ فقر به ۱۰ درصد می‌رسد. اگر توزیع درآمد در کشورها به طور مرتب بهتر یا بدتر شود (یعنی ۴۰ درصد فقیر در مقایسه با ۱۰ درصد بالا سهم بهتر یا بدتری دریافت کنند) دامنه نتایج همانند زمانی است که نرخ رشد بالاتر یا پایین‌تر برود. ترکیب این متغیرها باعث می‌شود دامنه بسیار گسترده شود و از فلاکت ۱۵ درصدی (رشد اندک، نابرابری بیشتر) تا دستاورد ۱/۴ درصدی (رشد بالاتر، نابرابری کمتر) امتداد یابد. از این محاسبات می‌توان به دو نتیجه رسید. اول، دامنه نتایج گسترده است و نشان می‌دهد چشم انداز محو فقر نامعین است. از طرف دیگر، این دامنه متقارن نیست. یعنی خطر ناکامی از امید به موفقیت بیشتر است علاوه بر این هیچ کس نقطه صفر را برای فقر پیش‌بینی نمی‌کند. اگر این نقطه به عنوان هدف پس از سال ۲۰۱۵ برگزیده شود آن هدف برآورده نخواهد شد اما کاهش فقر تا سه درصد به معنای رهایی یک میلیارد نفر از فقر است که خود رقمی قابل ملاحظه است. در بهترین حالت نرخ فقر اندکی بیش از یک درصد یا معادل ۷۰ میلیون نفر خواهد بود. مطالعات نشان می‌دهند برای رسیدن به این سطوح نمی‌توان به تنهایی به افزایش رشد یا کاهش نابرابری درآمدی اتکا کرد، بلکه باید هر دو را مورد توجه قرار داد. دوم آن که جغرافیای فقر متحول می‌شود. چین مدت‌ها قبل توانست تعداد زیادی از مردم خود را از خط فقر بگذراند. تا سال ۲۰۲۰ هیچ فرد چینی نخواهد بود که کمتر از ۱/۲۵ دلار در روز مصرف کند. همه از خط فقر عبور خواهند کرد. چین اولین فصل از کتاب کاهش فقر را به نگارش درآورد اما این فصل هنوز به پایان نرسیده است. هند فصل دوم خواهد بود. این کشور انعکاسی از کل جهان در حال توسعه است. در دهه آینده رشد اقتصادی موجی از مردم هند را از خط ۱/۲۵ دلار در روز عبور می‌دهد. این شبه قاره می‌تواند در دهه آینده بیشترین توفیق را در کاهش فقر داشته باشد (به همین دلیل است که کندی کنونی رشد اقتصادی نگران کننده است) اما رشد اقتصادی بیشتر به سود هندی‌های

ثروتمند است تا فقرا. آفریقا فصل آخر کتاب است. فقط در آفریقای زیر صحرای کبیر شمار افراد زیرخط فقر بالا خواهد بود. متاسفانه اکنون فاصله فقرای این منطقه تا خط فقر بسیار زیاد است. میانگین مصرف فقیرترین افراد در آفریقا فقط ۷۰ سنت در روز است که با ۲۰ سال گذشته تفاوت چندانی ندارد. در شش کشور فقیرتر آفریقا این رقم به ۵۰ سنت در روز می‌رسد. قاره آفریقا در دهه گذشته تلاش زیادی انجام داده است اما حتی ۲۰ سال دیگر پیشرفت هم نمی‌تواند میلیون‌ها نفر را از فقر نجات دهد. با نرخ رشد کنونی در سال ۲۰۳۰ یک چهارم از آفریقایی‌ها نرخ مصرفی کمتر از ۱/۲۵ دلار در روز خواهند داشت. بنابراین تا آن زمان تحول چشمگیری در نرخ آفریقا مشاهده نمی‌شود.

تاریخ‌سازی دوباره

رکورد عظیم در مقابله با فقر می‌تواند کاربردهای زیادی در فرآیند ارائه کمک‌ها داشته باشد. یکی از مهم‌ترین مقاصد تنظیم اهداف توسعه هزاره آن بود که فهرستی از درخواست‌ها در اختیار نیکوکاران قرار گیرد و آنان تشویق شوند کمک‌های خود را در جهت برآورده کردن اقلام آن فهرست هدایت کنند. این مقصود در برخی حیطه‌ها مفید بوده است اما نمی‌توان گفت در کاهش ۵۰ درصدی فقر موثر بود. بیشترین میزان کاهش فقر در چین اتفاق افتاد، جایی که اهداف توسعه هزاره مورد بی‌توجهی قرار گرفتند و یا در بهترین حالت به حاشیه رانده شدند. تغییر جغرافیایی فقر در ۲۰ سال آینده مشکلاتی را برای کمک‌رسانی پدید می‌آورد. در سال ۲۰۳۰ دوسوم فقرای جهان در کشورهایی مانند کنگو و سومالی خواهند بود. بقیه بیشتر در کشورهای دارای درآمد متوسط متمرکز می‌شوند. این وضعیت برزخی دوگانه برای کمک‌رسانان به وجود می‌آورد. کشورهای دارای درآمد متوسط واقعا به کمک نیاز ندارند. در حالی که کشورهای فقیر هم نمی‌توانند به درستی از کمک‌ها بهره ببرند. کاهش نرخ فقر باعث می‌شود نیاز به بازنگری در کمک‌های رسمی احساس شود. اما مشکلات امداد رسانی، آفریقا و پراکندگی فقرا باعث نمی‌شود نکته اصلی در کاهش فقر پوشیده بماند. داستان گذشته بسیار دلنشین بوده است و لازم است به همین صورت بماند. از

دیدگاه اجتماعی فقر چهره‌ای دیگر پیدا کرده است. به خاطر فناوری‌های جدید فقرا دیگر گروهی دور از دسترس نیستند. طرح‌های شناسایی گستردگی زیادی پیدا کرده‌اند. هند میلیون‌ها کارت هوشمند بیومتریک صادر کرده است تا حداقل فقرا را از روی نام بشناسد. این کار باعث می‌شود. هدف‌دهی برنامه‌های اجتماعی موثرتر باشد. طرح‌های اعطای پول نقد تحت شرایط ویژه در کشورهایی مانند مکزیک و برزیل باعث شد فقر مطلق در این کشورها از بین برود. با کاهش بیشتر شمار فقرا نه تنها تعداد اهداف کمتر می‌شود بلکه هزینه کمک‌رسانی هم به سطح ناچیزی می‌رسد. شاید رساندن ۲۰۰ میلیون نفر به بالاتر از خط فقر فقط روزی ۵۰ میلیون دلار هزینه داشته باشد. البته اشکال دیگری از فقر بروز می‌کند. مشکلات برخی از کشورها نیازمند سیاست‌های متفاوتی خواهد بود که مشکل فقر ۱/۲۶ دلار در روز را کم اهمیت می‌کند. اما تحولی بنیادی صورت گرفته است. قبلا فقر انعکاسی از کمبود بود. اما اکنون مشکل اصلی شناسایی، هدف‌گیری و توزیع است. این مشکلی است که می‌توان بر آن غلبه کرد.

حضرت امام جواد (ع):

در انباج آنچه را که دوست نداری ولی تو را در راه حق، استوار می‌کند
مقاوم باش و در انباج آنچه را دوست داری ولی تو را به هوسرانی
می‌کشاند فوهداری کن.

نوع جنگ با ما بود و ما هم همان جا - نه به صورت علنی و اعلان شده - به آمریکا نشان دادیم که نمی‌تواند این کار را کند. یا باید صراحتاً وارد میدان شود و یا این گونه نمی‌شود. ما در آن بخش کاملاً آمریکا را شکست دادیم که اقتضای برای ابهت آمریکا در منطقه شد. البته سیاست آنها همین بود که از چند جهت بر ما فشار بیاورند. از جهت اقتصادی که گفتم می‌خواستند نفت ما را قطع کنند. از لحاظ نظامی ابزاری به صدام دادند که خارج از برنامه‌های نظامی آنها بود. به اضافه اینکه آمریکا نشان داد که آماده است با ما وارد جنگ شود.

نکته مهمی که در فشارهای آنها علیه ما نهفته بود، این بود که ما را قانع کنند جنگ را ختم کنیم. آنها هم به این نتیجه رسیده بودند که این جنگ ختم شود. شاید تا آن زمان دلشان می‌خواست که این جنگ فرسایشی باشد. چون علاقه‌ای به عراق و ایران نداشتند و فقط می‌خواستند این دو کشور مهم منطقه ضعیف شوند و انقلاب ما هم از الهام بخشی، تبدیل به عبرتی برای دیگران شود.

در برنامه‌های دفاعی و تهاجمی ما هم راهکاری که انتخاب کرده بودیم. موفق نشده بود. یعنی نتوانستیم یک جای استراتژیک را برای فشار بر عراق بگیریم. البته امام اجازه نمی‌دادند ما وارد شهرها شویم و می‌خواستیم در حد جاهایی که گفتم، عمل کنیم. هم فاو و هم خیبر خالی از سکنه بود. در حلبچه هم نمی‌خواستیم وارد شهر شویم. می‌خواستیم سد را بگیریم. کرکوک که از مناطقی نفتی عراق بود و از آن ارتزاق می‌کرد، هدف بعدی ما بود. در حال آماده شدن بودیم که به آنجا برویم.

بنابراین امام می‌دانستند که به کجا می‌رویم. من هم مرتب با امام در تماس بودم. بعد از هر عملیاتی که برمی‌گشتم، خدمت امام می‌رفتم و توضیح می‌دادم. اگر ناقص عمل می‌شد، دلیلش را می‌گفتم و ایشان هم می‌دانستند. به خصوص اینکه حاج احمدآقا همیشه با ما و دیگر فرماندهان در تماس بود و خبرها را به ایشان می‌داد. سپاه و ارتش هم در تماس بودند. بالاخره بحث قطعنامه پیش آمد. قطعنامه ۵۹۸، هشتمین قطعنامه‌ای است که برای جنگ عراق علیه ما در سازمان ملل به تصویب رسید. پیش از قطعنامه ۵۹۸، شورا قطعنامه ۵۸۸ را در تاریخ ۶۵/۷/۱۶ تصویب کرده بود که ایران آن را نپذیرفت و دبیر کل در گزارش خود به شورای امنیت؛ خلاصه‌ای از مواضع ایران

دفاع مقدس

(قسمت دوم و پایانی)

جناب آقای هاشمی، شما فرمودید که استراتژی شما مشخص بود و دقیقاً می‌دانستید به چه نقطه‌ای می‌خواهید برسید. این ماجرا طی تیر ۶۶ تا تیر ماه سال ۶۷ شکل عینی‌تری به خودش می‌گیرد. یعنی در بحث سیاسی جنگ مسائلی رقم می‌خورد که قابل تامل است. به نظر می‌آید حضرت عالی با حمایت امام در مسیری حرکت می‌کردید که دو جنبه افراطی داخلی و خارجی به نوعی رضایت به طی این مسیر نداشتند حتی در پاره‌ای از مصادیق بدون اینکه با هم در ارتباطی باشند، با همدیگر همکاری می‌کردند. می‌خواستند مسیر دیپلماسی که شما طی می‌کردید، کاملاً با شکست مواجه شود که در سال ۶۶ و ۶۷ دو مصداق کاملاً مشخص در آن دیده می‌شود. یکی از این موارد حمله‌های هلی کوپترهای آمریکایی به کشتی ایران اجر است که فرمانده سپاه وقت تقاضای یک پاسخ خونین به آمریکایی‌ها می‌کند و وقتی به گوش حضرت امام می‌رسد، از جناب عالی می‌خواهند که جلوی این نوع حرکات گرفته شود. یکی از موارد مشخص دیگر نیز در تیر ماه ۶۷ اتفاق می‌افتد. یعنی آمریکایی‌های با جنایتی که در حمله به هواپیمای ایرباس مرتکب شدند در واقع شرایط را برای شکست دیپلماسی و ایجاد یک جنگ جدید مهیا کردند. به فاصله یک روز بعد از حمله ناو آمریکایی به هواپیمای ایرباس، مرحوم آیت‌الله منتظری طی یک پیام تسلیتی به حضرت امام تقاضای اعلام جهاد علیه منافع آمریکا می‌کنند. حضرت امام در پاسخ به ایشان ضمن اینکه از پیام تسلیت قدردانی و تشکر می‌کنند، می‌فرمایند: در این مسیر پشتیبان آقای هاشمی باشید. این دو مصداق عینی نشان دهنده یک وحدت دیدگاه بین حضرت عالی و حضرت امام در حوزه سیاسی جنگ است. یعنی آنچه که شما پیش می‌بردید همان تفکری بود که حضرت امام دنبال می‌کردند؛ چون اگر غیر از این بود این دو واقعه می‌توانست این مسیر را عوض کند. نظر حضرت عالی راجع به این دو واکنش به خصوص حضرت امام (ره) که در این دو سال انجام می‌دهند، چیست؟ اگر ما به آن دو پیشنهاد جواب مثبت می‌دادیم، چه عواقبی برای مسیر دیپلماسی ما ایجاد می‌کرد؟

طبیعی است که اگر ما خودمان را وارد یک نوع جنگ آن گونه با آمریکایی‌ها می‌کردیم، عراق کاملاً راحت می‌شد و عرب‌ها هم راحت می‌شدند و جبهه جدیدی باز می‌شد که آن را نه امام و نه ما می‌خواستیم. البته در خلیج فارس این کار را تا حدودی می‌کردیم. یعنی وقتی آمریکا خیره سری می‌کرد و پرچمش را روی کشتی‌های کویت می‌گذاشت و یا کاروان‌های نفتی آنها را اسکورت می‌کرد، این یک

و عراق را در قبال قطعنامه عنوان نمود و اعلام کرد که در حالی که عراق تمایل خود را برای پذیرش قطعنامه شورای امنیت اعلام داشته، ایران به دلایلی که ذکر کرده، این قطعنامه را نپذیرفته است. پس از قطعنامه ۵۸۸ ایران عملیاتهای موفقیت آمیز زنجیره‌ای را در خاک عراق انجام داد (سلسله عملیاتهای فتح، کربلا، والفجر ۹ و نصر) حاصل این مجموعه عملیاتها نزدیک شدن رزمندگان اسلام به شهر بصره شد که عامل دقت و حساس شدن شورای امنیت به مسئله جنگ شد.

بر این اساس اعضای دائم به صورت یک گروه، کار مشترک و سازماندهی شده‌ای را برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق آغاز نمودند. کار این گروه مشترک به صورت محرمانه بود که حاصل بررسی‌های آنها در ۵ ماه منجر به نوشتن پیش نویس قطعنامه ۵۹۸ شد.

این قطعنامه را آنها صادر کردند. با شرایطی که برای ما درست کرده بودند. فکر می‌کردند ما می‌پذیریم. چند عقب نشینی نیروهای ما آنها را امیدوار کرده بود که ما می‌پذیریم.

ما لازم دیدیم که بعد از پذیرش قطعنامه در شرایط مناسبی باید ضرب شصتی نشان بدهیم که آنها متوجه شوند قدرت تهاجمی بر سر جای خود باقی است. وقتی که عراقی‌ها بعد از پذیرش قطعنامه دوباره حمله کردند و تا نزدیک اهواز هم رسیدند و از خرمشهر و جاهای مهم عبور کردند و معلوم شد ادعای صلح طلبی عراق دروغ است که با یک دفاع جانانه ظرف یکروز آنها را به سرجایشان برگرداندیم.

در طرف شمال جبهه‌ها هم که منافقین گمان می‌کردند ایران در جبهه غرب و شمال نیرویی ندارد و همه امکاناتش در جنوب مستقر است، در عملیات مرصاد پاسخ خود را گرفتند و آنگونه زمین گیر و متلاشی شدند.

در عملیات مرصاد فقط منافقین نبودند. نیروهای هوایی و لجستیک عراق با اینها بودند. لذا توانستیم هم منافقین و هم پشتیبانی آنها را از کار بیندازیم. آنها فهمیدند که تحلیل رفتن قدرت تهاجمی و دفاعی ما درست نیست و نیروها می‌توانند مثل گذشته جنگ را ادامه دهند.

قطعنامه که صادر شد، اشکالاتی داشت و ما هم با یک استراتژی درست با آن برخورد کردیم. یعنی خدمت امام رفتیم و پیشنهاد دادیم. قرار بر این شد که ما از یک جهت عملیات زمینی و جنگ را با قدرت ادامه دهیم و نیرو هم تجهیز کنیم که ستاد کل را بر این اساس تشکیل دادیم. برای اینکه دولت بیشتر از گذشته برای پشتیبانی جنگ در میدان باشد. مردم هم دعوت شدند که برای جنگ آماده شوند. این یک فاز بود.

فاز سیاسی را هم شروع کردیم و آن این بود که مذاکره کنیم تا مفاد قطعنامه مطلوب ما شود. یعنی قطعنامه‌ای باشد که با قبول آن به اهداف خود برسیم. این سیاست با چند عملیاتی که انجام شد و با مذاکراتی که شروع کردیم جواب داد. طول کشید تا قطعنامه را به نفع اصلاح کردند. در جاهای دیگر مفصل گفتم که چه چیزهای ظریفی را اصلاح کردیم تا قطعنامه به گونه‌ای باشد که بتوانیم هم غرامت بگیریم و هم عراق بخاطر تجاوز محکوم شده باشد. در نهایت پیروزی از آن ایران شد و دنباله آن سقوط صدام بود که بحث دیگری دارد و آن هم در برنامه ما بود به آن هم در جای خود عمل شد.

یک سوال میانی دارم. دبیر کل سازمان ملل در سال ۶۶ سفری به ایران داشت. شما بعدها در جایی از شجاعت ایشان در پیگیری اجرای قطعنامه ۵۹۸ یاد کردید. راجع به آقای خاویز پز دکوئیار چه نظری دارید؟ نقش دبیر کل سازمان ملل را در این رابطه چه میزان یاری دهنده و کمک کار جمهوری اسلامی می‌دانید؟

خب ما ظاهر صحنه را می‌دیدیم و پشت صحنه را نمی‌دانستیم که قدرتهایی که آقای دکوئیار را آوردند؛ سیاستشان چه بود؟ چه می‌خواستند؟ البته کم و بیش می‌دانستیم. ولی همین مقدار که می‌دیدیم ایشان حاضر شد که قطعنامه ۵۹۸ را به آن شکل عوض کند برای ما قدم مهمی بود. من آنها را به صورت روشن در جایی گفتم و دیده می‌شود. بعد هم ایشان پیگیری می‌کرد برای اینکه مسائل اجرا شود و چون صدام نمی‌خواست اجرا شود. پیگیریهای دبیر کل سازمان ملل به گونه‌ای بود که دیگران متهمش می‌کردند ولی ما طلبکاری می‌کردیم و می‌گفتیم: "این بخش ناچیز از حقوق ماست که می‌دهید مثلاً با آمار نشان دادیم که ما هزار میلیارد دلار از جنگ خسارت دیده‌ایم ولی آنها فقط یکدهم آن یعنی ۱۰۰ میلیارد دلار را پذیرفتند." انصافاً

دوستان ما در وزارت خارجه که مسئولیت مذاکره را داشتند خوب عمل کردند البته آنها تنها نبودند و قدمی بدون تایید بر نمی داشتند. اول حضرت امام بعد سران قوا و من که مسئول جنگ و جانشین فرمانده کل قوا بودم. هر مرحله‌ای را طی می کردند سوال می کردند و ما جواب می دادیم که مثلا تا اینجا پیش بروید. پس سیاست ما دو شعبه داشت. یکی اینکه در جنگ نشان بدهیم با قدرت ایستاده‌ایم که آنها خیال نکنند ما داریم مضمحل می شویم. دوم هم اینکه در مذاکرت سیاسی یکدنگی نکنیم و دیپلماسی فعال را عمل کنیم تا بالاخره به نقطه‌ای رسیدیم که هیچکسی از ناظران جهانی فکر نمی کرد به اینجا برسیم .

من دو سوال در رابطه با پذیرش قطعنامه دارم بدون تقدم و تاخر پرسش آن، یکی از این دو سوال این است که در رابطه با هر جنگی، یک مجموعه به هدف رسیده و پیروز داریم و یک طرف از هدف مانده و شکست خورده، پرسشی که در پایان ۸ سال دفاع سلحشورانه و مقدس نظام جمهوری اسلامی وجود دارد این است که چرا که سمبلی و نشانی از پیروزی ما در صحنه کشور دیده نمی شود؟ پیروزی حماسه عظیمی که ۳ سند تاریخی از بیانات امام و رهبری و همچنین تمکین نامه آخر صدام به جناب عالی در تایید آن وجود دارد؟ حضرت امام بارها عملکرد انامی خود را تایید فرمودند و اشاره کردند که چه کسی بهتر از اینها قادر به اداره جنگ بود؟، رهبر معظم انقلاب هم در نامه خود به دکتر ولایتی (وزیر خارجه وقت) ضمن تاکید بر احقاق حقوق حقه ملت، نقش جناب عالی را مستظهر به تاییدات الهی برشمردند و در نهایت آن جمله معروف نامه صدام که: "جناب آقای هاشمی رفسنجانی، دیگر همه چیز روشن شده و شما به هر چه می خواستید رسیدید"، از نظر جناب عالی با وجود این همه اسناد و متقن تاریخی چرا در سالروز پذیرش قطعنامه و اثبات حقانیت جمهوری اسلامی در پایان ۸ سال دفاع مقدس خبری از جشن ملی پیروزی نیست؟

این چراها ادله‌ای دارند که به موقع به آنها می پردازیم. اینگونه است. شما به سخنان امام درباره تحلیل های گوناگون اشاره کردید. من هم همان موقع سخنرانی و تحلیلی را گفتم که این سوره فتح بعد از پیروزی بر مشرکان و گرفتن مکه و فتح مکه نازل نشده؛ بلکه برای صلح حدیبیه نازل شده است پس از صلح حدیبیه خیلی از کسانی که در آنجا حاضر بودند گریه می کردند و می گفتند که در مقابل مشرکین کوتاه آمدیم و ضعیف شدیم این موضع تا آنجا بود که پیامبر خدا(ص) وقتی می خواستند صلح نامه بنویسند، بعضی کلمات خودشان را به خواست آنها عوض

می کردند. ولی آن موقع سوره فتح نازل می شود و خداوند "اَنَا فَتْحَا لَكَ فَتْحًا مَبِينًا" را می گویند. من هم حقیقتا فتح را همین جا می دیدم. یعنی ما با یک شگرد دیپلماتیک به گونه‌ای رفتار کردیم و شرایط را فراهم کردیم که همان‌هایی که در سازمان همیشه علیه ما رای می دادند این بار به نفع ما رای دادند. به این نرمش نمی گویند. ما که چیزی به آنها ندادیم. همان طور که که گفتم در دو شاخه عمل می کردیم و رفتار ما به گونه‌ای بود که اولاً دنیا از ما مسئولیت شناسی دید و دید که ماجراجو نیستیم و یک حرف منطقی داریم و برای حرف منطقی خودمان مقاومت می کنیم .

بعد انعطاف ما را در چیزی دیدند که فکر نمی کردند در مواردی انعطاف نشان بدهیم. در آن شرایط می توانستیم در تنگه هرگز برای دیگران مشکل ایجاد کنیم اما نکردیم و گفتیم که امنیت یا برای همه یا برای هیچکس. تا این حد حرف می زدیم. می توانستیم آن موقع انتقام بیشتری از آمریکایی‌ها در خیلی از جاها بگیریم. لزومی نداشت وارد این کار شویم. امام هم مسائل را هدایت می کردند. بالاخره با آن رفتار حرکت منطقی که کردیم. هم صلح دوستی خودمان را نشان دادیم هم روی حق خود پافشاری کردیم و هم به آن نقطه‌ای که باید می رسیدیم، رسیدیم. فتح واقعی اینجا بود .

آن جمله‌ای را که صدام نوشته بود در خاطره‌ای از یکی از اسرا دیدم که حق مطلب را بخوبی بیان کرده بود، او در خاطراتش نوشته که پشت سیم‌های خاردار ایستاده بودیم و به تلویزیون عراق گوش می دادیم. صدر خاطره آن آزاده این جمله صدام بود که که در جواب من نوشته بود. حرفی که این آزاده زد واقعیت‌ها را در همان خاطره کوچک بدرستی مشخص کرده است. یعنی بعد از پذیرش قطعنامه تا آن روز فضای تلخی بر خیلی از رزمنده‌ها، اسرا و خانواده شهداء حاکم بود که ما چکار می کنیم؟ اما وقتی آن جمله را شنیدیم همه فهمیدیم که نظام در حال انجام دادن چه تدبیری است و به این صورت پیش برد که آنها از پشت خبر نداشتند و ما هم خیلی در جایی نگفتیم و باز هم نمی گوئیم. مرحله بعدی آن هم بسیار مهم بود که چه بر سر صدام بیاید و اینکار را هم خداوند کرد و حقانیت و مظلومیت و مقاومت ما هم در آن بی نقش نبود ولی لازم نیست از نقش خودمان در اینجا خیلی صحبت کنیم .

آقای هاشمی، حضرت امام در این نامه از کلید واژه در کنار هم استفاده می‌کنند. یکی از این کلید واژه‌ها جام زهر و دیگری تشخیص مصلحت است که جام زهر را به تشخیص مصلحت یک امت تعبیر می‌کنند. هر دوی این کلیدواژه‌ها گرفتار تفسیرهای افراطی شدند. یعنی جوانهای امروز نه از موضوع جام زهر تصور درستی دارند و نه از موضوع تشخیص مصلحتی که حضرت امام دادند. از جنابعالی می‌خواهم راجع به استفاده حضرت امام از این دو واژه در کنار همدیگر در آن نامه صحبت بفرمایید؟

در جلسه‌ای ما ۵ نفر خدمت امام رفته بودیم برای اینکه بگوییم وضع جنگ اینگونه است. آیا می‌خواهیم ادامه بدهیم و یا نمی‌خواهیم ادامه بدهیم؟ نظر قاطع خود را گفتیم که مصلحت نمی‌بینیم. برای امام سخت بود که در آن شرایط بپذیرند ما قطعنامه را امضاء و قبول کنیم. لااقل تا آن مقداری که ما صحبت می‌کردیم. جلسه ما در آن شب طول کشید. راهکارهایی هم پیشنهاد شد. ایشان گفتند که ما به مردم گفتیم اگر جنگ ۲۰ سال هم طول بکشد، ما ایستاده‌ایم و در و دیوار پر از جنگ جنگ تا پیروزی و تا رفع فتنه است. اگر الان یکدفعه بیاییم و اینگونه عمل کنیم، جواب مردم و رزمنده‌ها را چه باید بدهیم؟ دل آنها می‌شکند.

در آن جلسه از اینگونه بحثها بود. ما اینها را قبول داشتیم و روی آنها بحثی نداشتیم. ولی بحث این بود که آیا مصلحت است که الان به این صورت ادامه بدهیم؟ بحثها اینگونه بود. امام قانع شدند که الان باید این کار را بکنیم و به این مسئله رسیدند که مصلحت است که بپذیریم. منتها بحث بر سر کیفیت بود من پیشنهاد کردم که اگر برای شما اعلام آن سخت است این مشکل را من حل می‌کنم. من جانشین شما هستم و حق امضاء در این مسائل دارم من می‌روم و می‌پذیرم. ممکن است جنابعالی بعد بلافاصله بگویید که او تخلف کرده و باید از من به عنوان فرماندهی کل قوا اجازه می‌گرفت. شما آنموقع می‌توانید مرا محاکمه کنید. فدا کردن یک نفر بهتر از اینهمه مشکلاتی است که پیش آید. ایشان نگاه مهربانانه‌ای کردند و گفتند: نه، این خوب نیست. خودشان پیشنهادی دادند که ما از آن پیشنهاد بیشتر متاثر شدیم و آن را قبول نکردیم و گفتیم که این درست نیست.

این پیشنهاد را هرگز جنابعالی در جایی مطرح نفرمودید؟

نه در جایی نگفتم.

اسامی ۵ نفر حاضر در آن جلسه را می‌فرمایید؟

سران قوا بودیم. رئیس مجلس، رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و نخست‌وزیر به همراه حاج احمد آقا که معمولاً در جلسات ما بودند.

آیا غیر شما، دیگر آقایان هم پیشنهادی دادند؟

یادم نیست. امام پیشنهادی دادند که ما پیشنهاد ایشان را رد کردیم. بعد پیشنهاد سوم این شد که امام گفتند: حالا که باید بپذیریم، شما وجوه قوم و بزرگان را از همه جا دعوت کنید و همین حرفهایی را که اینجا زدیم، برای آنها هم بگویید و در یک جلسه خاص آنها را توجیه کنید، بدون اینکه پخش شود. آنها قانع شوند و بعد آنها هم از کاری که می‌کنیم، دفاع کنند.

اصلاً بنا نبود که امام نامه بنویسند. این کار را به عهده ما گذاشتند. رئیس‌جمهور هم آن جلسه را برای همان کار تشکیل داد که توجیه کنیم. عده‌ای را دعوت کردیم. در این بین حاج احمد آقا خبر داد که امام خودشان یک نامه نوشتند و اعلام می‌شود. ما اصلاً انتظار این را نداشتیم. بعداً از مضمون نامه مطلع شدیم. پس امام با در نظر گرفتن مصلحت رفتار کردند. پس از یک جلسه طولانی و مذاکرات ایشان با سران قوا که کاملاً به آنها اعتماد داشتند تصمیم گرفتند. شرایط اقتصادی و شرایط صدور نفت و شرایط میدان و شرایط نیروهای ایشارگر را گفتیم که نمی‌توانیم درست اداره کنیم. مشکلات خانواده‌های آنها و اسرا و خیلی چیزهای دیگر را گفتیم. وقتی همه اینها توضیح داده شد، قبول کردند.

بیشتر از همه اینها، خطر استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی در شهرهای بزرگ بود. گفتیم اگر مثلاً فردا تبریز را مثل حلبچه زدند، ما چه کاری می‌توانیم بکنیم؟ چه اتفاقی می‌افتاد؟ خیلی آسان می‌توانند تبریز، ارومیه و حتی تهران را بزنند. همه اینها را بررسی کردیم. همه می‌دانستیم که غربی‌ها و روسها آماده‌اند همه چیز را بدهند برای اینکه ما بترسیم و قبول کنیم.

با این شرایط مصلحت روشن شد. اینکه بپذیریم یا نه و برای امام تلخی داشت و مانند جام زهر بود، مربوط به مسائل بعد می‌شود که چطور به مردم بگوییم؟ گفتن آن به رزمنده‌هایی که در جبهه هستند و خانواده شهدا و جانبازان حقیقتاً برای امام تلخ

بود. تا نتیجه این کار روشن شود مدتی زمان لازم دارد. پس مسئله مصلحت همیشه اینگونه است. یعنی وقتی که انسان به خاطر مصلحت یک کار خلاف مسیر عادی انجام می‌دهد، در آن لحظه مشکلاتی دارد، خیلی‌ها ناراحت و بعضی‌ها خوشحال می‌شوند و لذا می‌بینیم بعد از اعلام پذیرش قطعنامه به دستور امام گروه‌هایی به همراه نامه امام به جبهه‌ها رفتند برای توجیه رزمندگان .

امام با آن هوشی که داشتند جمله "جام زهر را می‌نوشیم" را درست بکار بردند . یعنی انتخاب کردیم که بنوشیم. یعنی بر ایشان تحمیل نشد که بنوشند. حالتی بود که بخاطر مصلحت انتخاب کردند. فکر می‌کنم ایشان با تفکر و پیش‌بینی شرایط آن جمله را بکار بردند. هم مصلحت را رعایت کردند و هم ناراحتی خودشان را به مردم نشان دادند که دلشان نمی‌خواست اینگونه شود و هم آینده را در آن جمله نهادند که مردم می‌بینند چه فتوحی کردیم؟

البته لازم است در اینجا به نقش نامه آقای محسن رضایی هم اشاره‌ای شود که وی در آن نامه نیازهای ضروری رزمندگان را برای ادامه جنگ مطرح کرده بود و خیلی واضح بود که در آن شرایط تامین آن نیازها برای نظام و کشور مقدور نبود که امام هم در نامه خودشان هم به آن تکیه کردند .

در لابلای سخنان جناب‌عالی، بحث این بود که چه کسی بپذیرد؟ البته شما پیشنهاد قبول مسئولیت دادید که امام نپذیرفتند. سوال من در همین راستا معطوف به مجمع تشخیص مصلحت نظام است. در آن مقطع تاریخی چند ماهی بیشتر از عمر تشکیل مجمع نگذشته بود. به نظر می‌آید حضرت امام علاوه بر تمهید بزرگ بن بست شکنی موارد قانونی اداره نظام توسط مجمع، اهداف بلندتری را هم دنبال می‌کردند. استنباط من این است که ایشان برای عبور از تنگنانهایی نظیر قبول قطعنامه هم به مجمع تشخیص مصلحت نظام نظر داشتند. با توجه به اینکه در آن مقطع مجمع نهادی نوپا بود و امکان ایفای چنین نقشی را نداشت، جناب‌عالی فکر می‌کنید اگر مجمع در شرایط امروز و قدمت ربع‌قرنی بود، آیا حضرت امام وظیفه پذیرش قطعنامه و مسئولیت آن را به دوش مجمع می‌گذاشتند؟

بعید می‌دانم. چون اختلاف از همین مجمع شروع می‌شد. بالاخره کسانی بودند که موافق نبودند. در آن جلسه‌ای که ما با ایشان داشتیم. ما ۵ نفر همصدا بودیم. عقیه‌ای هم داشتیم و عقلای دیگری هم دنبال کار بودند. اما اگر همین الان در مجمع چنین

حالتی پیش بیاید، یکنواخت نیست. وقتی نامه امام در آن جلسه خوانده شد. بعضی‌ها زار زار و با صدای بلند گریه کردند. چون اینها نسبت به همه مسائل توجیه نبودند .

به مصداق ماجرای صلح حدیبیه؟

واقعا شبیه آن بود. در آنجا همان حالت بود. صلح امام حسن(ع) هم همین‌طور بود. حتی لقب مدلل المومنین به امام حسن(ع) دادند، بنابراین فکر می‌کنم این بحث جای خودش را داشت. امام(ره) فرمانده کل قوا بودند و اختیار اعلام جنگ و صلح با فرماندهی قواست. من هم جانشین بودم. آقایان دیگر هم صاحب‌نظر و مشاور بودند. ادله هم روشن بود و امام به لحظه لحظه جنگ آشنا بودند. در همان جمع کوچک به اندازه کافی مصلحت کشف شده بود. اگر همین الان هم بخواهد چنین کاری بشود، اختلاف پیش می‌آید، مگر اینکه سیاست این باشد که رهبری یا امام بخواهند مسئله را کاملا از دوش خودشان به جای دیگری ببرند و بگویند یک نهاد قانونی تصمیم گرفته است. می‌تواند اینگونه باشد. ولی در آنجا اینگونه نبود و فرماندهی کل قوا مسئول کار هستند.

حضرت امام محمد باقر (ع) در آخرین وصیت خود فرمود:

این وصیتی است که حضرت یعقوب (ع) به پسرانش فرمود، ای فرزندان من، فداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است. و شما جز به آیین اسلام (تسلیم شدن در برابر حق) از دنیا نروید.

تذکر داده می‌شود قاعدتا سعی می‌کنند این اعمال را مرتکب نشوند و به رعایت انضباط اجتماعی ملتزم باشند.

بعضی از روایاتی که در مورد امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد روایات بسیار مهمی است، شهید مطهری در جایی اشاره می‌کند که این روایات کمر انسان را می‌شکنند. یکی از روایاتی که در مورد انجام امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد این است که «امر به معروف و نهی از منکر باعث می‌شود که راه‌ها امن، کسب‌ها حلال و زمین‌ها آباد شوند.» بنابراین ملاحظه می‌کنید که نتایج امر به معروف و نهی از منکر همه نتایج اجتماعی است و به انضباط اجتماعی کمک می‌کند.

چه بسترهایی برای دعوت به انضباط اجتماعی باید وجود داشته باشد؟

نکته مهم این است که زمانی که ما می‌گوییم معروف و منکر ابتدا باید کاری کنیم که مسئله انضباط اجتماعی در جامعه به یک معروف و بی‌انضباطی اجتماعی به یک منکر تبدیل شود؛ یعنی امری باشد که مردم آن را منکر و معروف بشناسند. زمانی که ما این کار را انجام دادیم آن وقت است که می‌توانیم امر به معروف و نهی از منکر کنیم. باید خیلی توجه کرد که بعضی مواقع واژه ارشاد را با امر به معروف و نهی از منکر یکی می‌کنند در صورتی که این دو با هم متفاوت است. ارشاد در زمانی است که فردی جاهل است؛ یعنی اگر فردی نداند که این عمل منکر است شما باید وی را ارشاد کنید. بعد از این که شما ارشاد کردید، آموزش دادید و تبلیغ کردید در مرحله بعد از آن است که چون فرد می‌داند و عاصداً مرتکب منکری می‌شود یا معروفی را ترک می‌کند، در این صورت شما می‌توانید این فرد را امر و نهی کنید البته در بحث ارشاد جاهل باید توجه کرد که آنچه واجب است جهل به حکم است؛ یعنی اگر فردی این شرایط را داشته باید وی را از آن حکم آگاه کنیم. بنابراین در بحث امر به معروف و نهی از منکر مرحله اول باید آموزش مردم باشد. در آیه ۱۰۴ سوره مبارکه آل عمران آمده است «ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن

تفاوت میان ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر

(دکتر طلابی - ضمیمه هفتگی همشهری ۹۲/۵/۱۵)

امر به معروف تا چه حد می‌تواند به تحقق انضباط اجتماعی کمک کند؟

اصولاً امر به معروف و نهی از منکر یک واژه اجتماعی است، یعنی در بستر اجتماع شکل می‌گیرد و در صورتی که انضباط اجتماعی معروف شود و در واقع بی‌انضباطی اجتماعی تبدیل به یک منکر شود قطعاً امر به معروف و نهی از منکر یعنی امر به انضباط اجتماعی و نهی از بی‌انضباطی اجتماعی، می‌تواند موضوعیت پیدا کند. قاعدتاً ویژگی مهمی که امر به معروف و نهی از منکر دارد این است که هم از وقوع جرم، گناه، بی‌انضباطی و هم از تکرار آن جلوگیری می‌کند یعنی به نوعی هم از وقوع و هم از تکرار پیشگیری می‌کند. ممکن است این سوال ایجاد شود که چنین موضوعی چگونه ممکن است؟ کسانی که با شروط امر به معروف و نهی از منکر آشنایی دارند این را مطرح می‌کنند که یکی از شروط این موضوع بحث اصرار مرتکب است، یعنی اینکه شما احتمال دهید که فرد می‌خواهد مجدداً یک عمل منکر را انجام دهد و تکرار کند. در این صورت است که واجب می‌شود؛ یعنی در واقع معطوف بر این امر که فرد قبلاً عمل منکری را انجام داده باشد. مجدداً که بخواهد تکرار کند و ما احتمال تکرار دهیم باید نهی از منکر کنیم. ممکن است این سوال ایجاد شود که پس چگونه ما از یک عمل، از همان ابتدا جلوگیری کنیم؟ پاسخ این است که در فتوهای مراجع تقلید و به عنوان مثال حضرت امام (ره) می‌بینیم آمده است که اگر شخص احتمال دهد و احساس کند که فردی مقدمات یک منکری را ایجاد می‌کند مثلاً ببینید فردی مقدمات روزه‌خواری را فراهم می‌کند حتی در این حالت هم می‌تواند این فرد را امر و نهی کند. بنابراین هم از بی‌انضباطی اجتماعی پیشگیری می‌شود که در واقع از عمل فرد جلوگیری می‌کند و هم از تکرار آن جلوگیری می‌شود. به طور کلی در صورتی که افراد احساس کنند که در صحنه اجتماع اگر مرتکب منکر شوند به آن‌ها

المنکر» از زیر مجموعه‌های دعوت به خیر می‌توانیم آموزش، ارشاد و تبلیغ را قرار دهیم؛ یعنی ابتدا شما باید افراد را آگاه کنید و بعد از آگاهی نوبت به امر به معروف و نهی از منکر می‌رسد.

چگونه باید در عرصه اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر کرد؟

امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد. در قانون اساسی در این مورد اصل هشت را داریم که در این اصل قانونگذار بیان کرده است در جمهوری اسلامی ایران امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی است و بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت است و شرایط حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. در واقع قانون اساسی از قانونگذار عادی خواسته است که شرایط و حدود و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر و همچنین دعوت به خیر را مشخص کند. آنچه مادر کتب فقهی خود داریم بیشتر بحث شرایط است و بحث مراتب یعنی برای این که واجب شود که شما امر به معروف و نهی از منکر کنید چه شرایطی لازم است؟ این که فرد عاصماً کاری را انجام دهد، احتمال تکرار دهیم، احتمال تاثیر دهیم، شروط دیگری که در مورد آن صحبت می‌شود مثل بحث قدرت، این‌ها بحث شروط است یعنی باید شروط وجود داشته باشد. بعد از آن بحث مراتب است که برای امر به معروف و نهی از منکر معمولاً سه مرتبه را در نظر می‌گیرند. مرتبه قلبی، زمانی و عملی. در واقع این شروط باید فراهم باشد تا شما بتوانید امر به معروف و نهی از منکر را در مرتبه خودش انجام دهید. آنچه که بیشتر در دورانی که حکومت اسلامی تشکیل شده است بر عهده مردم است بیشتر امر به معروف و نهی از منکر زبانی است؛ یعنی باید تذکر زبانی داده شود. این مقدمات بحث است. باید چنین شرایطی وجود داشته باشد. اما این که در بیشتر اجتماع شما بخواهید این بحث را محقق کنید به مقدمات احتیاج دارد، همان‌طور که گفتیم و در استفتاحات هم آمده است در بحث شرط تاثیر، در صورتی که احتمال دهید اگر فردی را امر به معروف و

نهی از منکر کنید تاثیر نمی‌گذارد اما اگر چند نفر با هم یک فرد را امر و نهی کنند، موثر است در اینجا واجب است که شما بروید و گروهی امر به معروف و نهی از منکر کنید. یا در داشتن قدرت عده‌ای می‌گویند که قدرت شرط وجوب امر به معروف و نهی از منکر است اما بسیاری از فقهای متاخر ما اشاره می‌کنند که داشتن قدرت شرط وجوب نیست بلکه شرط واجب است یعنی اگر شما احساس می‌کنید که برای امر به معروف و نهی از منکر قدرت ندارید وظیفه شما است که قدرت را به دست آورید. برای این کار بعضی مواقع به دست آوردن قدرت مستلزم ایجاد یک تشکل است؛ یعنی اگر احساس کنید که با وجود یک تشکیلات و یک گروه می‌توانید امر نهی کنید و این در مورد مخاطب شما موثر واقع می‌شود، باید یک تشکیلات اجتماعی درست کنید و یک گروه تشکیل دهید. این‌ها همه لوازمی است که در عرصه اجتماع باید به آن توجه شود.

شهید مظلوم آیت اله دکتر بهشتی:

ما باید فرهنگ سیاسی‌مان، فرهنگ صدق و راستی و درستی و مردم دوستی و عدالت دوستی و فدا دوستی باشد.

صور تجلسه كانون حزب تمدن اسلامی

شهریور ماه ۱۳۹۲

با نام و یاد خداوند متعال، جلسه کانون حزب تمدن اسلامی در شهریور ماه سالجاری با حضور اعضاء با تلاوتی از آیات کلام... مجید آغاز شد.

در ابتدای این جلسه آقای اعلم الهدی از اعضاء شورای حزب، تدبیر و عمل به آیات الهی را برای همگان خواستار و با تبریک ولادت باسعادت حضرت امام رضا(ع) به بیان حدیث سلسله الذهب و نکات آن پرداختند و با توجه به این حدیث مبارک، وجود ولایت را از شرایط امامت ذکر کردند.

در ادامه مهمترین مباحث روز مطرح گردید. سایر مذاکرات و تصمیمات با توجه به نظرات شرکت کنندگان به شرح ذیل می باشد:

- از مهمترین رسالت های ما این است که ابتدا خودمان آگاهی مان را افزایش دهیم و بعد آنرا به دیگران منتقل کنیم.
 - جهت تحقق شعار سالجاری یعنی حماسه اقتصادی، انسجام داخلی و حمایت از تولیدات ملی الزامی می باشد.
 - سیاست های کلی نظام از جمله در بخش اداری از سوی حضار تشریح و مقرر شد فرمایشات مقام معظم رهبری در این خصوص ملاک اقدام باشد.
 - با عنایت به اینکه امور هر سازمانی تخصصی می باشد نظر شرکت کنندگان در این جلسه بر این موضوع متمرکز گردید که می بایستی از افراد صاحب نظر و متخصص در امر مربوطه استفاده شود.
 - با توجه به شرایط اقتصادی کشور، مدیریت بر فضای کسب و کار مورد تاکید قرار گرفت.
 - با توجه به گزارش ارائه شده از سوی نماینده حزب تمدن اسلامی در شورای امر به معروف و نهی از منکر مقرر گردید اعضاء هرگونه نقطه نظرانی جهت احیای این فریضه الهی دارند در جلسات حزب و همچنین برای درج در سایت و نشریه حزب تمدن اسلامی ارائه نمایند.
- جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد(ص) خاتمه یافت.

اخبار ویژه

۱- وزیر راه و مسکن در روزهای آغازین مسئولیتش از نیاز ۱۵۰۰۰ میلیارد تومانی مسکن مهر خبر داد. وی اضافه کرد تا کنون ۳۵۰۰۰ میلیارد تومان از منابع بانک مرکزی در این خصوص استفاده شده است. البته استفاده از منابع بانکی در روند اقتصادی و سرمایه گذاری قابل توجیه است ولی تزریق منابع از ذخایر نزد بانک مرکزی و یا چاپ و انتشار اسکناس موجبات رشد نقدینگی و افزایش تورم را در پی خواهد داشت.

۲- مرگ و میر بیش از دو میلیون نفر در اثر آلودگی هوا مطالعات جهانی نشان می دهد که میزان مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا در سال های اخیر رشد فزاینده ای داشته است به طوری که هر سال بیش از ۲/۵ میلیون نفر در سراسر جهان جان خود را از دست می دهند. بر اساس مطالعات اخیر پژوهش نامه های محیط زیست احتمال کشته شدن انسان ها در اثر افزایش آلودگی هوا در مقایسه با خطر غرق شدن در آب فاضلاب های فرسوده در جوامع آینده نسبتا پایین خواهد بود. اما در حال حاضر با رشد فزاینده ای روبه رو است. دانشمندان سازمان حفاظت محیط زیست، ناسا، دانشگاه کارولینای شمالی در چپیل هیل با مطالعه در زمینه مرگ زودرس انسان ها به کمک شیمی و مدل های آب و هوا دریافتند که تنها عاملی که در گذشته منجر به افزایش مرگ و میر در اثر آلودگی هوا شده تغییرات آب و هوایی نبوده بلکه بخش اعظم آن در نتیجه ارتباط انسان ها با محیط پیرامون شان (آنتروپوژنیک) به وقوع پیوسته است. لازم به ذکر است این مطالعات که در اکثر وبلاگ های آب و هوا مورد استفاده قرار گرفته از افزایش مقدار CO2 در اتمسفر و تاثیر خارق العاده آن روی گیاهان خبر می دهد. با توجه به محاسبات محققان، سالانه حدود ۴۷۰ هزار نفر از شرایط تنفسی که در اثر ارتباط انسان ها با محیط پیرامون شان منجر به افزایش میزان آزون کره زمین می شود جان خود را از دست می دهند.

۳- در ماه‌های پایانی فعالیت دولت دهم، برخی از مدیران و معاونین بانک مرکزی اقدام به دریافت مجوز و امتیاز صرافی به صورت وکالتی برای خود و فرزندانشان کرده‌اند. بر این اساس و در حالی که اعطای مجوز صرافی به مدیران بانکی ممنوع است برخی مدیران ارشد بانک مرکزی برای دور زدن این قانون، اقدام به صدور مجوز صوری صرافی برای اشخاص نزدیک به خود کرده و آنگاه با دریافت وکالت بلاعزل، فعالیت آن صرافی را به نام خود یا فرزندانشان تغییر جهت داده‌اند برخی مدیران بانک مرکزی که در یکسال گذشته به دلایل مختلف از این بانک جدا شده‌اند و همچنین برخی مدیران ارشدی که کماکان در بخش‌ها و معاونت‌های مختلف این بانک به کار مشغولند از این روش برای دریافت امتیاز صرافی به نام فرزندان خود استفاده کرده‌اند. این در حالی است که دستگاه‌های ارشد نظارتی بارها نسبت به این گونه اعمال خلاف قانون در بانک مرکزی هشدار داده و حتی در اواخر اسفند ماه ۹۱ برخی اعضای دفتر یکی از معاونت‌های حساس بانک مرکزی را بازداشت کردند، اما ظاهراً این اقدامات تاثیر چندانی نداشته است.

۴- عزت‌الله ضرغامی رئیس سازمان صدا و سیما، مرتضی بختیاری وزیر دادگستری دولت دهم و سید مجتبی ثمره هاشمی مشاور ارشد دکتر احمدی نژاد از پذیرفتن نشان‌های دولتی که مزایای آن بیش از ۱۰۰ میلیون تومان است خودداری کرده‌اند.

۵- آقای احمد توکلی نماینده مجلس گفت از ۵۵۶۰ طرح عمرانی طی سالهای ۸۱ تا ۹۱ فقط ۱۴۰۰ طرح به اتمام رسید. وی گفت از بهمن ۹۰ تا شهریور ۹۱ به واسطه نوسانات ارزی حدوداً ۲۷ هزار میلیارد تومان رانت ایجاد شد. همچنین به بدهی ۲۷۸ هزار میلیارد تومانی دولت به بانک و موسسات در پایان سال ۹۱ اشاره وی همچنین گفت: اتکاء هر ایرانی به نفت در زمان جنگ ۶۰۸ دلار، در

دولت سازندگی ۳۸۴ و در دولت اصلاحات ۳۶۴ و در دولت نهم و دهم به ۸۹۰ دلار رسید.

۶- شورای فقهی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (آقایان محمد مؤمن، احمد جنتی، محمد یزدی، مدرس یزدی) وظیفه دارد علمائی که به مرجعیت نایل می‌شوند و همچنین رساله‌های علمیه آنان برای چاپ و انتشار را مورد ارزیابی و تایید قرار دهد.

۷- گفته می‌شود انتخاب استانداران به عهده‌ی کمیته‌ای متشکل از آقایان جهانگیری (معاون اول) حسین فریدون (برادر رئیس جمهور) نوبخت، ترکان و رحمانی فضل‌ی می‌باشد.

۸- در جلسه‌ی نماینده وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی از آثار خطرناک آلودگی هوای تهران به سلامت تهرانی‌ها خبر داد و گفت سرطان در شهر تهران بیداد می‌کند و روند افزایش تعداد مبتلایان این بیماری را چنین اعلام نمود:
سال ۸۴ (۵۵۸۵۵ نفر)، سال ۸۵ (۵۹۷۸۶ نفر)، سال ۸۶ (۶۲۰۴۰ نفر)، سال ۸۷ (۶۷۸۰۰ نفر)، سال ۸۸ (۷۱۰۶۷ نفر) سال ۸۹ (۷۴۷۹۱ نفر) در سال ۹۰ (۸۵۰۰۰ نفر) این بیماری طی ۷ سال مزبور بیش از ۵۰٪ افزایش داشته است.

۹- کشف مفاسد مالی دولت گذشته همچنان ادامه دارد. از چابهار خبر می‌رسد ۶۰۰ دستگاه خودروی سواری پروتون که از کشور مالزی به صورت غیرقانونی به ایران وارد شده و مقامات مسئول، آن‌ها را ضبط کرده بودند توسط یک سازمان وابسته به دستگاه اقتصادی دولت دهم تملک گردید و ۱۰۰ دستگاه از آن‌ها در اختیار یک مسئول ارشد اجرایی قرار گرفت و او نیز آنها را به اطرافیان خود داد. از ۵۰۰ دستگاه باقیمانده اطلاعی در دست نیست.

مطبوعات

ایران

۹۲/۶/۱۰

بابک زنجانی که بیشتر با اسم مستعارش (ب ز) در محافل رسانه‌ای و سیاسی معروف است و پس از ماجرای وقف دانشگاه آزاد در مجلس (در زمان ریاست جمهوری احمدی نژاد) نامش بر سر زبان‌ها افتاد در گفت و گویی سعی کرده پیرامون بسیاری از ابهاماتی که در خصوص او مطرح شده است پاسخ دهد. وی در خصوص ماجرای دیدارش با سعید مرتضوی و فاضل لاریجانی و پخش فیلم آن در مجلس گفته: با آقای مرتضوی دو - سه بار جلسه داشتیم. در جلسه اول قرار شد در ازای واریز مبالغی ۱۱۷ شرکت تامین اجتماعی را بخریم. این ماجرا برخورد کرد به ماجرای فیلمبرداری دیدار من با فاضل لاریجانی. بنده با فاضل لاریجانی پنج دقیقه هم بیشتر صحبت نکردم! آقای مرتضوی یک روز به من زنگ زد و گفت که به تامین اجتماعی بیایم. او من را در اتاقی نگه داشت و گفت آقای لاریجانی در اتاق بغلی است و با شما کار دارد. گفتم چه کار دارد؟ گفت می‌خواهد با شما آشنا شود شاید بتواند در هیأت مدیره این شرکت‌ها به شما کمک کند. ما نمی‌دانستیم در آنجا دوربین کار گذاشته‌اند! من که وارد اتاق لاریجانی شدم مرتضوی رفت بیرون. من که نشستم آقای لاریجانی دو سه کارت به من داد و گفت اگر یک موقع در مشاوره شرکت‌ها کمک خواستید مجموعه من می‌تواند به شما کمک کند. همین! بیشتر از این هم نشد تشکر کردم و گفتم اگر این شرکت‌ها را گرفتیم به شما هم زنگ می‌زنیم. بعد ناگهان آقای مرتضوی داخل اتاق شد و گفت چی شد؟ انجام شد؟ ان‌شاءالله که کارتان به هم وصل شده است و ما هم از یکدیگر خداحافظی کردیم و فردای آن روز فیلم این ماجرا در مجلس پخش شد و مانند بمب ترکید. زنجانی با بیان این که فعلا که موفق نیستم تاکید کرده: اما من به عنوان یک سرباز بسیجی در جبهه اقتصادی کار می‌کنم. شانس‌هایی بوده که خدا در اختیارم گذاشته و از آنها استفاده کرده‌ام.

«نامه»: در خبری مبلغ واریزی جهت خرید ۱۱۷ شرکت از تامین اجتماعی از محل ۱۵۰ میلیون دلار عایدی وی از فروش نفت کشور به خریداران خارجی می‌باشد.

تهران امروز

۹۲/۶/۳۰

رهبر کاتولیک‌های جهان در سخنانی خود را «گناهکار» دانست و گفت: کلیسای کاتولیک مانند «خانه کارت‌ها» وران خواهد شد. مگر آن که بتواند روی «ضروریات» موعظه کردن در خصوص انجیل تمرکز و کمتر بر مسائل سیاسی و بوروکراسی تکیه کند. به گزارش روزنامه تلگراف، پاپ فرانسیس آرژانتینی که به صراحت و فروتنی شهره است اعلام کرد که قصد دارد کلیسا را اصلاح کند. کلیسایی که به عقیده وی مملو از مسائلی مانند ازدواج هم‌جنس‌گرایان، سقط جنین و پیشگیری از بارداری است. وی در اعتراف تعجب‌برانگیز دیگری زمانی که از وی پرسیده شد دارای چه شخصیتی است خود را گناهکار دانست و گفت: این صحیح‌ترین تعریف است. این یک ارائه ادبی یا ژانر ادبی نیست. من یک گناهکارم. وی در این مصاحبه افشاگری‌های دیگری در خصوص شخصیت خود نیز داشته است. پاپ در بخش دیگری خود را طرفدار فئودور داستایوفسکی، رمان‌نویس روسی دانست. وی گفت: ما باید یک تعامل جدید پیدا کنیم در غیر این صورت حتی عمارت اخلاقی کلیسا ممکن است مانند خانه کارت‌ها فرو ریزد. وی همچنین اعلام کرد که کلیسا در گذشته در «باتلاق مسائل پیش پا افتاده و قوانین کوتاه بینانه» غرق شده بود.

جمهوری اسلامی

۹۲/۶/۲۶

دست کشیدن آمریکا از اجرای گزینه نظامی علیه سوریه و قبول پیشنهاد طرف روسی توسط «باراک اوباما» درباره حل موضوع تسلیحات شیمیایی سوریه، هرگز به مذاق «بندربن سلطان» رئیس دستگاه اطلاعاتی عربستان سعودی خوش نیامده و وی را دچار جنون کرده است. به گزارش مهر به نقل از الخبر پرس، بندربن سلطان پس از تهدید «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه درباره اینکه بحران سوریه فقط راه حل نظامی دارد، امیدهای بسیار زیادی به حمله ارتش آمریکا به سوریه

پایگاه‌های خبری

آسمان

۹۲/۶/۳۰

بابک زنجانی از دارایی‌ها و بدهی‌هایش گفته طبق گفته خودش در کل فقط حدود ۱۰ میلیارد دلار بدهکار است! زنجانی بخشی از دارایی‌های خود را اینگونه لیست می‌کند. شرکت هواپیمایی قشم، هلدینگ، سورینت، باشگاه فوتبال راه آهن، Islamic Bank First مالزی، بانک «ارزش» تاجیکستان، موسسه‌ای مالی اعتباری در امارات، سهامدار شرکت هواپیمایی «انور» ترکیه و در مجموع ۲۵ هزار میلیارد تومان سرمایه. او درباره‌ی بدهی‌های خود هم می‌گوید: «وزیر نفت گفته است من بیش از ۲ میلیارد دلار بدهی دارم اما بدهی من به این وزارتخانه میلیارد و ۲۰۰ میلیون یورو بیشتر نیست. در کل حدود ۱۰ میلیارد دلار بدهکارم! زنجانی جزئیات مذاکرات خود با سعید مرتضوی را توضیح می‌دهد و ادعا می‌کند. با یک جعبه شیرینی به خانه مرتضوی رفتم و فردای آن روز در سازمان تامین اجتماعی مذاکره کردیم. فاضل لاریجانی هیچ پولی از من نخواست. زنجانی با بیان این که «سرباز بانک مرکزی بودم و راننده رئیس کل اسبق بانک مرکزی». می‌گوید که «کارم را با صادرات پوست گوسفند شروع کردم» و «اولین کار مزدم از فروش ارز ۱۷ میلیون تومان بود.»

انتخاب

۹۲/۶/۱۶

به گزارش تیک در اسفندماه گذشته با دستور وزیر ورزش و جوانان مبلغی که نزدیک به ده میلیارد تومان بود از حساب وزارتخانه برداشت و به حساب خزانه دولت واریز شد. این اتفاق در حالی رخ داده که فدراسیون‌های ورزشی با مشکل مالی شدیدی روبه‌رو هستند. و این مبلغ می‌توانست بخشی از مشکلات آنان را برطرف کند. همین گزارش می‌افزاید: صالحی امیری در تلاش است تا بتواند با نامه نگاری و البته کمک شخص رئیس جمهور این پول را به حساب وزارت ورزش برگرداند.

بسته بود. این شاهزاده سعودی معتقد است که دیپلماسی ایران و ترس از حزب الله لبنان باعث توقف حمله نظامی به سوریه شده است و روسیه نیز همگام با این مسائل تلاش‌ها در سطح بین‌المللی را دنبال می‌کرده است. در نتیجه وی پس از اطمینان از این که گزینه نظامی علیه سوریه منتفی شده در محفل خصوصی وعده داده که انتقام این رخداد را از ایران، سوریه و حزب الله خواهد گرفت. به گزارش منابع ویژه اطلاعاتی بندربن سلطان طی اظهاراتی همچنین تهدید کرده که انتقامی سخت از شیعیان در لبنان خواهد گرفت و مادران شیعه را در این کشور عذارداد خواهد کرد.

۹۲/۶/۲۳

سرقت بزرگ از سازمان میراث فرهنگی، خبر جدیدی است که صحنه دیگری از رویدادهای تلخ سال‌های اخیر را به نمایش می‌گذارد. پایگاه خبری «جمهوریت» گزارش داد: ۴۷ هزار جلد کتاب و اسناد مربوط به کاوش‌های باستان‌شناسی و نقشه‌های اوزالیدی از بناهای باستانی به همراه هزاران قطعه عکس‌های تاریخی مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور به یغما رفت و نابود شد.

همشهری

۹۲/۶/۲۵

مرکز آمار نرخ رشد را اعلام کرد. نرخ رشدی که در کل ۲۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. یعنی در فاصله سالهای ۷۱ تا ۹۱ هیچ‌گاه نرخ رشد اقتصادی به منفی ۵/۴ درصد نرسیده بود. بر اساس گزارش مرکز آمار تنها یک بار در سال ۷۵ نرخ رشد اقتصاد ما به منفی ۰/۱۶ رسیده بود. همچنین بر اساس این گزارش بیشترین نرخ رشد اقتصادی ۲۰ ساله اخیر در سال ۸۱ بوده است که همسو با اهداف چشم‌انداز توسعه بوده و به ۸/۷۵ درصد رسیده است. همچنین بر اساس این گزارش در سال ۸۴ و همزمان با روی کار آمدن دولت نهم، نرخ رشد اقتصادی ۶/۱۹ درصد بوده است.

ایسنا

۹۲/۶/۲۳

تازه‌ترین آمار گمرک ایران حاکی از آن است که صادرات خودروی کشور در حال صفر شدن است. در پنج ماهه نخست ۱۳۹۲ تعداد خودروهای سواری صادر شده از کشور با افت شدید ۹۴/۳۴ درصدی به ۱۴۵۶ دستگاه رسید. ارزش خودروهای صادراتی هم با کاهش ۹۲/۱۲ درصدی بالغ بر ۱۱ میلیون دلار شد. ضمن این که وزن خودروهای سواری صادراتی هم ۹۳/۶۸ درصد کاهش یافته و به ۲۰۰۰ تن رسید. میانگین قیمت هر خودروی سواری صادراتی در پنج ماهه نخست امسال ۷۸۴۵ دلار بود که نسبت به مدت مشابه در سال قبل افزایش ۳۹/۱۷ درصدی را نشان می‌دهد. به این معنا که امسال خودروهای صادراتی ایران حدود ۴۰ درصد گران‌تر از سال قبل شده‌اند.

تسنیم

۹۲/۶/۲۳

رئیس هیأت مدیره انجمن صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی ایران با اشاره به کاهش صدور این خدمات گفت: در حال حاضر پتانسیل صادرات سالانه ۲۰ میلیارد دلار خدمات فنی مهندسی در کشور وجود دارد. فرامرز مفتخر افزود: از سال ۷۳ صادرات خدمات فنی مهندسی در ایران آغاز شد و از آن زمان ۲۵۰ قرارداد اجرای پروژه‌های مختلف در کشورهای دیگر منعقد شده است. رئیس هیأت مدیره انجمن صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی ایران گفت از سال ۸۱ تا سال گذشته صادرات خدمات فنی مهندسی ۴۵ درصد رشد داشت. سال ۹۰ حدود ۴/۶ میلیارد دلار صادرات داشتیم اما این میزان در سال ۹۱ به دلیل تحریم‌ها به ۲/۳ میلیارد دلار کاهش یافت و در پنج ماه ابتدایی امسال نیز ۱/۲ میلیارد دلار صادرات خدمات فنی مهندسی صورت گرفته است.

مهر

۹۲/۶/۱۲

علیرضا زاکانی دبیر کل جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی در چهاردهمین نشست اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان مستقل سراسر کشور که در دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد گفت: خرداد ۸۵ احمدی نژاد به من گفت بیا داخل دولت و با ما

کارهای سیاسی انجام بده. من از او پرسیدم با پذیرش این مسئولیت در نهایت چه خواهیم کرد؟ که احمدی نژاد به من گفت بیا دست به دست هم دهیم و خبرنگان رهبری را عوض کنیم و پیرمردها را برده و به جای آن جوانان را بیاوریم. اما رییس جمهور بعد از هفت هشت ماه خدمت چه کارش با خبرنگان رهبری است؟ زمانی که من این مسئولیت را قبول نکردم احمدی نژاد به من گفت تو آدم که هستی که اینگونه بر مواضع پافشاری می‌کنی و من گفتم من یک بچه بسیجی هستم. در نگاه جبهه‌ای و انقلاب عده‌ای به ولی فقیه نزدیک‌تر و عده‌ای دورترند، نگاه جبهه انقلاب تاکید بر منافع اسلامی و نگاه رهبری است.

عشق‌ت رسد به فریاد هر فود بسان مافظ

قرآن زبر بفوانی در پارده روایت

به مناسبت روز بزرگداشت حافظ